



نشست تخصصی :

۸/۶/۱

تبيين الگوی پیشرفت پنجاه سال آینده انقلاب اسلامی

ارائه:

حجت الاسلام علی کشوری

(دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی)

مشهد مقدس

سالن همایش‌ها و نمایشگاه‌های استان قدس رضوی

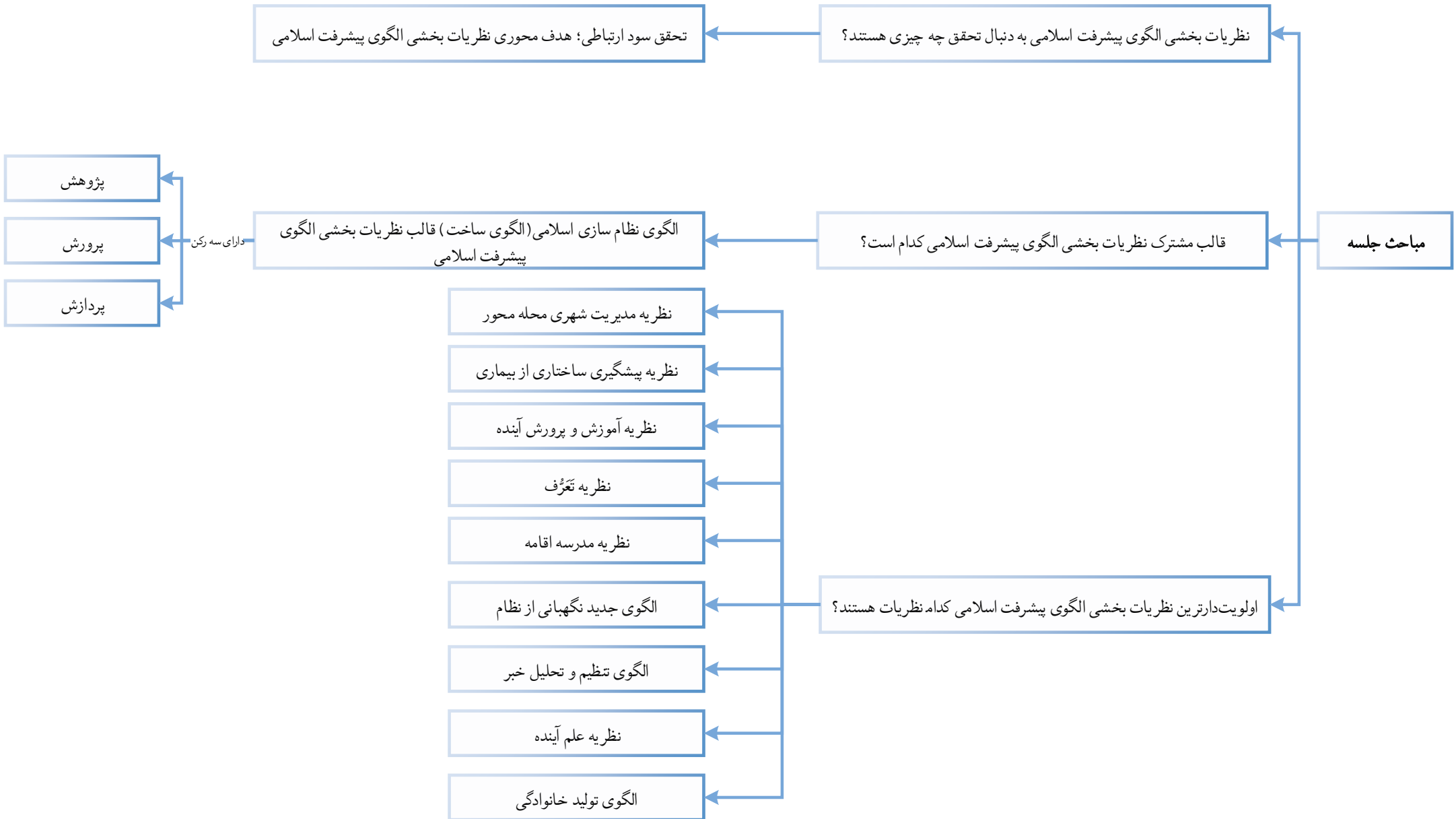
شناسنامه:

جزوه پیش‌رو متن پیاده‌شده سخنان حجت‌الاسلام و المسلمین علی‌کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست «تبیین الگوی پیشرفت ۵۰ سال آینده انقلاب اسلامی» است که در تاریخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۹۷ در مرکز همایش‌ها و نمایشگاه‌های آستان قدس رضوی برگزار شده است. پیشنهاد می‌شود این جزوه در قطع رحلی به انتشار برسد.

فهرست اجمالی

۱. مقدمه؛ برنامه ریزی بر پایه توسعه غربی؛ علت ایجاد مشکلات متعدد در کشور ۱
۲. سوال اول: نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی به دنبال تحقق چه چیزی هستند؟ ۵
۳. سوال دوم: قالب مشترک نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی کدام است؟ ۸
۴. سوال سوم: اولویت دارترین نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی کدام نظریات هستند؟ ۱۰
- ۴/۱. اولین نظریه: مدیریت شهری محله محور ۱۲
- ۴/۲. دومین نظریه: پیشگیری ساختاری از بیماری ۱۳
- ۴/۳. سومین نظریه: آموزش و پرورش آینده ۱۴
- ۴/۴. نظریه چهارم: نظریه تعریف (نظریه حوزه محرومیت زدایی) ۱۶
- ۴/۵. نظریه پنجم: مدرسه اقامه ۱۷
- ۴/۶. نظریه ششم: الگوی جدید نگهداری از نظام ۱۸
- ۴/۷. نظریه هفتم: الگوی تنظیم و تحلیل خبر ۲۰
- ۴/۸. نظریه هشتم: علم آینده ۲۱
- ۴/۹. نهمین و آخرین نظریه: الگوی تولید خانوادگی ۲۱

نشست تخصصی تبیین الگوی پیشرفت ۵۰ سال آینده انقلاب اسلامی



بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. الحمد لله رب العالمين و الصلاه و السلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا في يوم الجزاء ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المنتجبين سيما بقيه الله في الارضين ارواحنا لآماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف و اللعن الدائم على اعدائه اعداء الله.

۱. مقدمه؛ برنامه ریزی بر پایه توسعه غربی؛ علت ایجاد مشکلات متعدد در کشور

خوشحال هستم خدمت برادران و خواهران عزیز رسیدم. همانطوری که برگزارکنندگان محترم اعلام فرمودند نشست امروز بنا دارد یک تصویری از الگوهای اداره جامعه تا قبل از ظهور ولی عصر ارواحنا فداه در ایران ارائه دهد. بنابراین از عنوان جلسه کاملاً پیداست که جلسه، یک جلسه تصمیم ساز و غیر تشریفاتی است. لذا اقتضات خود را دارد و ان شاء الله تحمل بفرمایید که بتوانیم بحث دقیقی را در این ساعات محدود درباره این موضوع مهم محضران ارائه کنیم.

من پیشاپیش از محضر همه شما عذرخواهی می‌کنم؛ هم به دلیل وقت اضافه‌ای که از شما در این جلسه می‌گیرم و هم به دلیل مطالبی که دارای ارجاعات فراوان به دانشنامه الگوی پیشرفت اسلامی است. استدعا می‌کنم که مجموعه مطالبی را که محضران عرض می‌کنم، فقط در حد طرح مسئله بدانید و تفصیل این مطالب را در یک فضاهای دیگری؛ چه به صورت تضاربی و چه به صورت کتبی و چه به صورت نمونه سازی دنبال بفرمایید. در مجموع گزارش بنده به خدمت شما سه ساختار و سه بخش دارد و این سه بخش کمک می‌کند یک تصویری از آینده اداره جامعه پیدا کنیم. به هر حال همه می‌دانیم که کشور جمهوری اسلامی را نمی‌توان با مدل‌های غربی اداره کرد. ما الآن در مسائل بخش‌های مختلف برنامه‌ریزی توسعه گرا به بن‌بست‌هایی رسیده‌ایم. همه به نوعی احساس می‌کنند به تحول در حوزه برنامه‌ریزی نیاز داریم. [مثلاً] پول ملی با کاهش ارزش عجیبی روبه رو شده است و این محصول مدیریت بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه کشور است. متأسفانه در بخش سلامت و پیشگیری، مردم ما هر روز بیمارتر می‌شوند و بیماری‌های مختلفی از حیث روحی و جسمی در افراد مختلف

و در عمق‌های مختلف در حال ایجاد شدن است. وزارت بهداشت و درمان ما نمی‌تواند جلوی بیمار شدن مردم را بگیرد و قدرت پیشگیری از بیماری را ندارد.

متأسفانه آمار طلاق در کشور ما در حال افزایش است. طبق آمارهای امسال فقط در شهر تهران حدود ۴۵ درصد ازدواج‌ها به طلاق ختم شده است و در شهرهای دیگر نیز ما با آمار طلاق بالایی روبه‌رو هستیم. (پایگاه رسمی ثبت احوال کشور، بخش فراوانی ازدواج و طلاق، سال ۱۳۹۶) تقریباً اجماع وجود دارد که نظام آموزش و پرورش ما، نظام آموزش و پرورش ناکارآمدی است. می‌توانیم بگوییم که این سیستم حدود شانزده هزار ساعت از وقت فرزندان ما را تلف می‌کند و متناسب با این ساعات عظیم نمی‌تواند فرزندان ما را پرورش دهد و آن‌ها را تربیت کند. دستگاه سیاست خارجی کشور درک درستی از روابط بین الملل ندارد و پیشنهاد می‌کند میان ظالم و مظلوم معامله‌برد برد نوشته شود؛ و الآن اجرای این نظریه معیوب، نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا، اشتباهی ظالم را برای تسلط بر مظلومین افزایش داده است و برجام که قرار بود مشکلات کشور را حل کند، خود تبدیل به یک مشکل شده است و باید برای آن چاره‌ای راهبردی اندیشید.

سیاست‌های توسعه غربی در حوزه‌های مختلف شکست خورده است. بنای من در این جلسه این نیست که بن بست‌های مفهومی و کاربردی توسعه را بشکافم بلکه عرض می‌کنم این نظریات چهار دهه به کارگیری شده و برای همه محسوس است که ما به تحول در مدل اداره جامعه نیاز داریم. از دوازده سال پیش آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی‌های خود یک عنوان راهبردی و مبارک را مطرح کرده‌اند و به صورت صریح از همه ما خواسته‌اند که تحول در الگوی برنامه ریزی کشور را دنبال کنیم. (دیدار با دانشگاهیان سمنان، ۱۸/۰۸/۱۳۸۵) الآن که بنده مشغول گزارش دادن به شما نخبگان محترم هستم دوازده سال از طرح ابر مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌گذرد؛ یعنی ایشان از دوازده سال پیش به صورت جدی دعوت کرده‌اند که نخبگان به مدل اداره جامعه اندیشه و فکر کنند و آرام آرام سز اصرار‌های ایشان در یک دهه گذشته برای ما واضح می‌شود. اگر الآن نیز ما این بحث را جدی نگیریم و یا در مورد آن تحلیل‌های ناقص انجام دهیم [این روند همین‌طور ادامه خواهد داشت].

من می‌بینم که برخی از نخبگان ما می‌گویند که این دولت باید برود و به این شکل طرح بحث می‌کنند. می‌خواهند بگویند که مشکل اصلی کارگزارانی هستند که مسئولیت‌های کشور را بر عهده دارند. من نقش یک کارگزار خوب در بهینه وضعیت یک ملت و تکامل شاخصه‌های پیشرفت یک ملت را هیچ وقت انکار نمی‌کنم. حتماً یک مدیر معتقد، انقلابی و یک مدیر جهادی شرایط کشور را بهتر می‌تواند اداره کند منتهی باید توجه کنیم که یک بخش مهم مسئله مدل‌های اداره جامعه است. شما امروز کدام مدیر را پیشنهاد می‌کنید که تصدی امور مملکت را در یک بخشی بپذیرد و غیر از نظریات حکمرانی غربی، یک نظریه بومی و یا یک نظریه اسلامی در ذهن او تصویر باشد. به دلیل رواج ترجمه در جمهوری اسلامی، ما هر مدیری را که بر سر کار بیاوریم که هر چند این شخص از لحاظ تعهد شخصی دارای ارتقاء قابل قبولی برای ما باشد، وقتی این شخص قصد رفتن به سمت اداره جامعه دارد نیازمند به کارشناسی و مدل اداره در آن بخش است و اگر ما این مدل‌ها را تغییر ندهیم، با تغییر مدیران نمی‌توانیم وضعیت کشورمان را بهبود ببخشیم. این خلاصه عرایض مقدماتی بنده است که محضر شما تقدیم می‌کنم. بنابراین باید مسئله تحول در الگوها و مدل‌های اداره جامعه را جدی گرفت. یا باید بپذیریم که با همین الگوهای معیوب جلو برویم و یا باید بر روی تحول در الگوهای اداره جامعه بحث کنیم. سز اینکه عرض کردم جلسه امروز را متفاوت ببینید و یک جلسه گفتگوی ساده نبینید این مسئله است. من فکر می‌کنم که هر چه گفتگو را در کشورمان جدی‌تر جلو ببریم، بعدها می‌توانیم تحول بیشتری در زندگی مردم ایجاد کنیم.

من این عناوین سه دسته گفتگوی امروز را خدمت شما قرائت می‌کنم. زعم بنده و فهم ناقص بنده این است که اگر این سه دسته گفتگو تفصیلی شود، کمک می‌کند که تصویر همه ما از اداره جامعه تغییر کند. من در این جمع شریف دعوت می‌کنم از کارشناسان سازمان برنامه و بودجه و برادر خوبم جناب آقای نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه که یک مقدار به جای رفتن به کمبریج و ماساچوست و دانشگاه های غربی این مباحثات را پیگیری کنند. به نظر ما کشور را به روش دیگری نیز می‌توان اداره کرد؛ عرض بنده این مطلب است.

من این داستان را برای برادر خوبم آقای نوبخت و مجموعه کارشناسان [سازمان برنامه و بودجه] می‌گویم. نقل می‌کنند که جناب ادیسون وقتی می‌خواست لامپ را طراحی کند به بودجه تحقیقاتی نیاز داشت. با یک فردی از نخبگان در این مورد مشورت کرد که من پول تحقیقات برای ساخت لامپ را به چه صورت می‌توانم تأمین کنم؟ ایشان گفتند که چراغ گردسوز کاران را جمع بکن و با آنها صحبت کن چرا که آنها در کار روشنایی هستند. با آنها صحبت بکن و بگو من ایده‌ای راجع به ساخت لامپ دارم. ایشان قبول کرد و جلسه تشکیل شد. ادیسون به توضیح لامپ پرداخت و بحث او سه ساختار داشت؛ او می‌گفت لامپ با چراغ گردسوز سه فرق دارد. فرق اول این است که سیستم انتقال سوخت لامپ تو پر است. می‌گویند چراغ گردسوز کارانی که در جلسه بودند به فکر فرو رفتند و گفتند که اگر سیستم انتقال سوخت و آن مفتولی که سوخت را انتقال می‌دهد توپر باشد، اساساً روغن از روغن دان به محیط اشتعال منتقل نمی‌شود. کسی متوجه نشد که ایشان چه چیزی بیان می‌کند چرا که خیلی بر خلاف مشهور صحبت می‌کرد.

ادیسون گفت که یک فرق دومی نیز وجود دارد و آن این که سوختی که در لامپ استفاده می‌شود نامرئی است. نقل می‌کنند که [با بیان تفاوت دوم] به جای اینکه چراغ گردسوز کاران روشن تر بشوند مبهوت تر شدند. می‌گفتند [سوخت نامرئی] یعنی چه؟ یعنی ما یک نوع روغن نامرئی داریم که ایشان کشف کرده است؟! خلاصه با مطالب ایشان ارتباط نگرفتند.

همین طور ادیسون گفت که فرق سوم نیز بین چراغ گردسوز و لامپ وجود دارد و آن این که در محیط خلأ مشتعل می‌شود. نقل می‌کنند که در این لحظه عده‌ای از جلسه خارج شدند. گفتند که او جوانی است که متوجه نیست که چه می‌گوید. بالاخره چند نفری برای اینکه فرار مغزها اتفاق نیفتد پولی به ادیسون دادند و ایشان رفت و لامپ را ساخت. سپس در جلسه دیگری آورد و نشان این افراد داد و آنها دیدند که واقعاً کار می‌کند؛ یعنی می‌توان یک طور دیگر شب زندگی مردم را روشن کرد. منتهی چراغ گردسوز کاران درک نمی‌کردند. من اینجا می‌خواهم عرض کنم سازمان برنامه و بودجه در کار چراغ گردسوز است. نمی‌توانند درک کنند که انقلاب اسلامی یک ایده جدید برای اداره جامعه دارد. لذا این مشکلاتی که می‌بینید ایجاد می‌شود. مردم پای کار انقلاب هستند و دین اسلام نیز مفاهیم مترقی و عالی‌ای دارد ولی گفتگوهایی که بتوان از این مفاهیم یک لامپ دیگر و یک مدل دیگری ساخت در کشور ما کم عمق است. آقا! این یک مشکل مهم در کشور ماست. من از آستان قدس رضوی و بعضی از استان‌های کشور که میزبان الگو هستند تشکر می‌کنم. این دوستان از سابقون تصویرسازی راجع به مدل جدید اداره کشور هستند. من فکر می‌کنم اگر دو، سه سال با نخبگان جدی صحبت کنیم - کما این که اصل حرف انقلاب تا الآن قابل تفاهم بوده است و همه به صورت عمومی می‌فهمند که انقلاب چه می‌گوید - مدل برنامه ریزی مبتنی بر اسلام نیز قابل تفاهم است. منتهی باید گفتگوهایی جدی تا حد جنگ نعلین انجام دهیم و ناراحت نشویم و شرح صدر داشته باشیم. انتخاب با شما نخبگان است؛ یا با همین چراغ گردسوز توسعه کار بکنید که نتیجه آن این وضعیت مملکت است و یا بیایید مدل اداره مملکت را تغییر دهیم. آغاز تغییرات در مدل اداره مملکت با گفتگوهای جدی و دو طرفه و ذیل آیین نامه نشست‌های الگوی پیشرفت است. اگر ما این گفتگوها را جدی بگیریم می‌توانیم کشور را یک مرحله به سمت ظهور ولی

عصر ارواحنا فداه جلو ببریم. می‌توانیم طلب کنیم که ان شاء الله ولایت ولی عصر را بر خودمان پذیرفته‌ایم و می‌پذیریم. این عرض بنده است. من این جلسه را ناظر به این ادله‌ای که عرض کردم، خیلی جلسه مهمی می‌بینم. یا این نحوه اداره جامعه که سازمان برنامه و بودجه میزبان آن است می‌تواند سعادت مردم ایران را تامین کند؛ خوب اگر می‌تواند که هیچ! من حرفی نمی‌زنم؛ و یا اینکه نه! چالش‌هایی که در کشور به وجود می‌آید محصول همین نظام برنامه‌ریزی است و باید مدل اداره کشور را تغییر دهیم. این یک دعوی بین علی و سفلی و استقلال و پیروزی نیست بلکه این یک مسئله مهم است و اگر جمع بندی ملی راجع به آن اتفاق نیفتد اصطکاکات اجتماعی زیاد می‌شود. سر اینکه حضرت آیت الله خامنه‌ای در برابر برخی از پیشنهادات فرمودند که نخیر! این دولت باید بماند. به ایشان گفته شد که این دولت و یا این مجلس باید استعفا دهد ایشان فرمودند که نخیر! باید بماند؛ (دیدار با / قشار مختلف مردم، ۱۳۹۷/۰۵/۲۲) سر این مطلب آن است با عوض شدن دولت‌ها مشکل جمهوری اسلامی حل نمی‌شود. من تأکید می‌کنم، دوباره و مجدداً تأکید می‌کنم که می‌فهمم نقش یک مدیر جهادی و فهمیده چقدر مهم است ولی نمی‌پذیرم که نقش مدل‌های اداره را در تحلیل‌هایمان صفر بگیریم، نقش الگوهای اداره جامعه در تحلیل‌های ما صفر باشد.

لذا بلافاصله بعد از اینکه آن پیشنهادات که دولت باید برود یا اینکه مجلس باید برود، حضرت آیت الله خامنه‌ای برای مسئله الگوی اسلامی پیشرفت فراخوان دادند؛ (تکمیل و ارتقای سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۷/۰۷/۲۲) و این یعنی ایشان گفتند که وضعیت فعلی کشور را آسیب شناسی سطحی نکنید که آقای الف برود و آقای ب بیاید مشکل کشور حل می‌شود. بروید به مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت فکر بکنید. حالا بسم الله، این هدایت ایشان و این نیز مشکلاتی که ما در کشورمان داریم؛ گفتگوها را جدی‌تر بگیرید.

خب بنابراین این سه سر فصلی که بنده امروز عرض می‌کنم طرح مسئله است و باید جدی‌تر گرفته شود تا بتوانیم آن تصویر سازی را از آینده اداره کشور در ذهن‌های خودمان ایجاد بکنیم. من عناوین این سه دسته گفتگو را می‌خوانم و به صورت اجمالی در حد این جلسه محدود شرح می‌دهم. به امید اینکه توفیق تضارب بین مومنین برای همه ما افزایش پیدا کند و بتوانیم گفتگوها را تعمیق دهیم. پیشاپیش عرض می‌کنم که من منتظر انتقاد و نقد و گفتگوی جدی هستم؛ یعنی نیامده‌ام که اینجا یک حرفی بزنم و بگویم این حرف تمام است. منتهی یک نکته عرض می‌کنم که ما در حد صد نظریه، الگوی پیشرفت اسلامی را تبیین کرده‌ایم و بنده فکر می‌کنم به این تفصیل فقط یک یا دو مجموعه در کشور بحث کرده‌اند. لذا نمی‌پذیرم که کلی‌گویی کرده‌ایم. نمی‌پذیرم که یک نفر به ما بگوید از غرب اقتباس کرده‌اید، نخیر! ما استظهار کرده‌ایم، کار فقهی کرده‌ایم ولی می‌پذیرم کار ما ناقص است؛ می‌پذیرم که باید کار ما کامل شود. سه دسته گفتگویی که عرض کردم مباحث جلسه هستند.

ما گفتیم که راه اداره کشور نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی است و در حال مباحثه حدود صد نظریه بخشی هستیم. معنای «نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی» چیست؟ هدف نهایی این نظریات چیست؟ چه طور این نظریات یک تصویر جدید از اداره جامعه ارائه می‌دهند؟ این سر فصل اول است. سرفصل دوم این است که همه نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی دارای یک ساختار هستند و ساختارشان مشترک است؛ یعنی هر صد نظریه‌ای که مباحثه می‌کنیم در قالب الگوی ساختار هستند. الگوی ساختار، مخفف الگوی نظام سازی اسلامی است که یک مدل راهبردی برای برنامه‌ریزی است. این الگو در مقابل SWOT و مدل‌های آینده‌پژوهی است. لذا بر ساختار نظریات ما یک الگو و یک روش فقهی حاکم است. من این بحث را هم توضیح بدهم، چون جزء مباحثات مهم است؛ من می‌بینم که حتی مراکز حوزوی ما وقتی می‌خواهند برنامه‌ریزی کنند، مثلاً بر اساس ماتریس SWOT برنامه‌ریزی می‌کنند. این اتفاق تلخ دارد ۴۰ سال بعد از انقلاب رخ می‌دهد، مدل پیشنهادی دانشگاه هاروارد، مبنای برنامه‌ریزی حتی در نهادهای حوزوی ماست، من از خودمان انتقاد می‌کنم تا حساب

بقیه واضح شود؛ در مراکز حوزوی می‌گوییم [این مدل غربی] بناء عقلا است و در مدل برنامه‌ریزی و تدوین از این مدل استفاده می‌کنیم، لذا بحث خیلی مهمی است. الگوی ساخت تمدن اسلامی اختصاصی است و با مدل‌های آینده‌پژوهی امکان ندارد که حالا این بحث را هم توضیح می‌دهم.

در سر فصل سوم ۹ مورد از نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی را به صورت اجمالی معرفی می‌کنم، از این ۱۰۰ نظریه ۹ مورد را به صورت اجمالی معرفی می‌کنم. این ۹ نظریه جزو اولویت‌دارترین نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی هستند؛ یعنی می‌توانیم بر اساس آنها همین الان در بخش‌هایی تصرف کنیم و مدل برنامه‌ریزی را تغییر بدهیم. این هم بحث سوم است و در واقع عمده بحث من در جلسه امروز قسمت سوم عرایض بنده است؛ یعنی آنجایی که بنده نه مورد از نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی را معرفی می‌کنم. می‌توان بر اساس آنها همین الان در مجلس بودجه‌ریزی کرد، می‌توان بر اساس آنها در سازمان برنامه و بودجه برنامه‌ریزی کرد. ضمناً بعضی از آنها نیز در حال حاضر در حال نمونه‌سازی هستند. این سه دسته گفتگویی که بنده عرض کردم کمک می‌کند تا تصویر نخبگان از آینده اداره جامعه عوض شود.

۲. سوال اول: نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی به دنبال تحقق چه چیزی هستند؟

من گفتگویی خود را از اینجا شروع می‌کنم و تا به حال هرچه گفته‌ام مقدمه بوده است. همانطور که عرض کردم قسمت اول بحث این است که معنای نظریات بخشی را بحث کنیم؛ این ۱۰۰ نظریه که ما در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی بحث کرده‌ایم به دنبال چه هستند و می‌خواهند چه کار بکنند؟ بالاخره باید در یک جمله توضیح بدهیم شما می‌گویید من این مدل فعلی اداره جامعه را قبول ندارم و به دنبال یک مدل دیگر اداره هستم. آیا می‌شود در یک جمله به ما توضیح دهید که این مدل جدید اداره و در یک جمله نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی تفاوتشان با نظریات فعلی چیست؟ در یک جمله باید بگویم ما به دنبال فریه کردن سود ارتباطی هستیم.

بنده را مذمت نکنید که اصطلاح می‌سازم و به یک اصطلاح اتکا می‌کنم. کسی که نظام اصطلاحاتش از خودش نباشد هژمونی او گسترش پیدا نمی‌کند و نفوذ کم می‌شود. اصلاً ساخت اصطلاحات از علائم نفوذ و سلطان - به اصطلاح روایت شریف - و از علائم هژمونی - به تعبیر غربی‌ها - است، منتها باید سعی کنیم که اصطلاح جا بیافتد. ما در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی اصطلاحی را وضع کرده‌ایم مبنی بر اینکه می‌گوییم زیرساخت اداره جامعه سود ارتباطی است؛ یعنی ما مردم و سازمان‌های حکومتی را دعوت می‌کنیم که سود ارتباطی را تقویت کنند. در حال حاضر چه کار می‌کنند؟ ارزش افزوده و سود اقتصادی را تقویت می‌کنند؛ هر کسی می‌خواهد هر کاری بکند و هر برنامه‌ای را که می‌خواهد اجرا کند، کارکرد اقتصادی آن را بحث می‌کند. اما ما فکر می‌کنیم این انحراف است که همه چیز را به محوریت سود اقتصادی بحث کنیم؛ بلکه باید به این سمت برویم که همه چیز را به محوریت سود ارتباطی مباحثه کنیم، من آرام آرام می‌خواهم آن تصویر مطلوب را شکل بدهم.

سود ارتباطی چیست؟ سود ارتباطی سودی است که انسان‌ها از منشأ ارتباط بهینه با یکدیگر می‌برند؛ در روابط انسانی دو فرض وجود دارد: فرض اول این است که بین دو نفر یا مجموعه‌ای از انسان‌ها چالش و اصطکاک باشد. وقتی روابط انسانی گسسته بود و بین مجموعه‌ای از انسان‌ها چالش وجود داشت، این موضوع هزینه و ضرر ایجاد می‌کند. یک وقتی بنده در مناظرات معروف سال ۹۶ به دوستان سازمان برنامه و بودجه گفتم که ارتباط گسسته حداقل چهار دسته هزینه اقتصادی ایجاد می‌کند - هزینه‌های اقتصادی را گفتم به این دلیل که دوستان فقط ارزش افزوده را محاسبه می‌کنند - برای آنها مثال زدیم و گفتم وقتی شما روابط انسانی را بهینه نمی‌کنید ۴۵ درصد تلاق به وجود می‌آید. خب دادگاه‌هایی که راه می‌اندازید تا به پرونده‌های تلاق رسیدگی کند، هزینه دارد. یا مثلاً یکی از موارد، آمار بالای پرونده‌های قضایی در کشور ایران بر سر مسئله

چک و مسائل اقتصادی است؛ وقتی مردم دعوا می‌کنند - حالا یا در حوزه اقتصادی، یا در حوزه خانواده یا در حوزه آموزشی یا حوزه سیاسی - این دعوها بر مملکت هزینه تحمیل می‌کند. از آن طرف اگر ما روابط انسانی را پیوسته و بهینه کردیم و کاری کردیم که رابطه انسان‌ها با یکدیگر خوب‌تر شود، هزینه‌ها کاهش پیدا می‌کند. پس معنای سود ارتباطی روشن است؛ شما می‌گویید یک سود وجود دارد که منشأ آن رابطه خوب انسان‌ها با یکدیگر است و این ارتباط خوب باعث می‌شود که انسان‌ها سود ببرند.

به نظر در آخرین پژوهشی که ما گزارش آن را منتشر می‌کنیم ۱۲ دسته سود [از سود ارتباطی] حاصل می‌شود که یک دسته از آن سود اقتصادی است؛ کسی که رابطه او با سایر انسان‌ها بهینه است، ۱۲ دسته سود به دست می‌آورد، از جمله اینکه خرج و هزینه‌های او کمتر می‌شود. وقتی رابطه شما با سایر انسان‌ها بهینه است مثلاً تواضع می‌کنید، تواضع یکی از احکام بهینه کردن روابط انسانی است. با انجام این کار دیگر انسان‌ها کمتر علیه شما بسیج می‌شوند؛ چون شما به اصطلاح خودمان همه را تحویل می‌گیرید و متواضع هستید. لذا اعصاب شما به هم نمی‌ریزد و بیماری روحی و روانی نمی‌گیرید؛ می‌دانید که وقتی انسان دچار عدم تعادل روحی می‌شود، تمام تصمیمات او به چالش کشیده می‌شود، از جمله اینکه هزینه‌های او در بخش درمان هم زیاد می‌شود.

حالا ان‌شاءالله در مباحثات تفصیلی ۱۲ دسته سود ناشی از ارتباط بهینه انسان‌ها با یکدیگر را به صورت استظهاری تشریح می‌کنم؛ ولی الان می‌خواهم عرض کنم که ما می‌خواهیم آینده کشور را به محوریت سود ارتباطی بسازیم؛ یعنی هر اقدامی در کشور اتفاق افتاد - به اسم امنیت، به اسم آموزش، به اسم اقتصاد - که نتیجه آن، چالش و گسست در روابط انسانی بود، نتیجه‌اش این بود که روابط انسانی ضربه بخورد؛ این اقدام، یک اقدام غلط است!

حالا الان سازمان برنامه و بودجه چگونه محاسبه می‌کند؟ سازمان برنامه و بودجه سود اقتصادی را محور قرار می‌دهد و می‌گوید هر اقدامی که به افزایش ارزش افزوده منجر شود، اقدام صحیحی است؛ مثلاً قرار گذاشتند تا پایان برنامه ششم ۴۰ درصد زنان را شاغل کنند - البته با اسم‌های جذاب مانند اینکه اشتغال حق زنان است - و شما باید بنا بر هدف پنجم سند توسعه پایدار برابری جنسیتی ایجاد کنید، ادله ظاهراً ادله موجهی است. می‌خواهند زنان را شاغل کنند؛ خوب این موضوع حداقل سه دسته اثر سوء در روابط انسانی دارد: دسته اول ضررها ضرر به خود خانم‌هاست؛ جنس زن ریحانه است و ظرافت در او اصل است و با کارهای خشن و کارهای حکومتی و سخت به صورت طبیعی فاصله دارد.

اخیراً به یکی از استان‌ها رفته بودم و با بعضی از دوستان امنیتی پرونده‌های مربوط به استخدام زنان را بررسی کردیم تا ببینیم که در این استان چطور در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها زنان را به کار می‌گیرند و اصطلاحاً به آن‌ها شغل می‌دهند. تقاضا می‌کنم اعزه محترم یا نمایندگان محترم آقا که در جلسه حضور دارند، از دوستان بخواهند که این گزارش را برای آنها تنظیم کنند. مع الاسف دیدم که استعمار اتفاق افتاده است؛ یعنی گاهی اوقات با مبلغی کمتر از نیم میلیون تومان در ماه خانم‌ها را استخدام می‌کنند؛ یعنی در ابتدا می‌گویند حق زن است؛ ولی در باطن به این سمت می‌روند که سرمایه‌دار مبلغ کمتری برای تولید پرداخت کند. به زن نیروی کار ارزان قیمت می‌گویند و زن را تحقیر می‌کنند. خوب این یک ضرر است، پدیده استعمار زنان. اصلاً در ادبیات توسعه می‌گویند زن نیروی کار ارزان قیمت است، این یک ضربه است دیگر؛ به شخصیت زن اهانت می‌کنند.

ضرر دیگر این است که تربیت نسل آینده به چالش کشیده می‌شود؛ شما می‌دانید که بدون مادر و به محوریت مهدکودک نمی‌توان یک نسل رشدیافته را تربیت کرد. مادر و ظرافت‌ها و دقت‌های او اگر نباشد، دوره رشد انسان به چالش کشیده می‌شود.

مسئله بعدی هم اصل نهاد خانواده است؛ ما فکر می‌کنیم بخش عمده‌ای از این طلاق‌هایی که اتفاق می‌افتد و بخش عمده‌ای از ازدواج‌هایی که اتفاق نمی‌افتد برای این است که پدیده زنان مردواره شکل گرفته است. زنان مردواره به زنانی می‌گویند که به دلیل کثرت ارتباطات اجتماعی، ظرافت اخلاق‌شان کاهش پیدا کرده است. چنین زنی نمی‌تواند محوریت خانه را به نحو اتم مدیریت کند. یک مثال بزمن؛ اخیراً شنیدم مسئولین در تهران اعلام کردند که ما می‌خواهیم ۵ خیابان را برای میزبانی زندگی شبانه معرفی کنیم. (سخنان زهرا نژادبهرام، عضو شورای شهر تهران در جلسه شورا، خبرگزاری مهر، ۱۶/۱۱/۱۳۹۷) بر روی این سبک زندگی غربی و آمریکایی که دارند وارد ایران می‌کنند و از ۵ خیابان شروع کردند خیلی حساس شده‌اند. یک دهه دیگر تهران نیز مثل نیویورک می‌شود و اصلاً شب و روز ندارد و مردم سه شیفت کار می‌کنند. مدام فکر کردم چرا این مقام مسئول آیات و روایات سکونت و سکینه در شب را نادیده گرفته است؟ حتماً روایات آن را دیده‌اید؛ اگر در شب به اشتغال پردازید عمرتان مثلاً یک پنجم می‌شود و در همان یک پنجمی هم که زندگی می‌کنید، استرس اصل است. فقط با همین حذف مسئله خواب شب این اتفاق می‌افتد. آن مسئول استدلال کرده است و استدلال او نیز جالب است که این کار ارزش افزوده ایجاد می‌کند، این یک مبناست که به همه جا تعمیم داده‌اند. متن نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا - که پدر برجام است، برجام مبتنی بر نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا است - را بخوانید! مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام در دوره مرحوم هاشمی رفسنجانی این نظریه را نوشته است؛ (چشم‌انداز بیست ساله و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا، منتشر شده توسط پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، زیر نظر دکتر محمود واعظی، منتشر شده در اسفند ۱۳۸۶) در آنجا گفته شده است که ما به دنبال یک سیاست خارجی جدید هستیم، همین سیاست خارجی که ما الان داریم می‌بینیم، سیاست خارجی برد برد! در استدلال خود گفتند که باید سیاست خارجی را اصلاح کنیم تا سرمایه‌گذاری خارجی بیشتری داخل کشور بیاید. باز هم استدلالشان مبتنی بر سود اقتصادی است؛ تاکید می‌کنم که در نگاه جریان توسعه‌گرا این یک استدلال ساده نیست، بلکه یک مبناست؛ مثلاً می‌خواهیم نظام آموزش و پرورش را بازتعریف کنیم. شما حتماً به نحو ملاحی قدیم سند توسعه پایدار را خوانده‌اید، این کتاب جزو کتب ضاله است و حداقل ما طلبه‌ها باید بر آن مسلط باشیم که چه گفته است. وقتی راجع به آموزش و پرورش آینده صحبت می‌کند در مورد تربیت صحبت می‌کند دیگر؛ می‌گوید دانش‌آموزان را طوری تربیت کنید که کارآفرین شوند. به او می‌گویم غیر از کارآفرینی این انسانی که در مورد تربیت او صحبت می‌کنید، آیا فردا نیاز به تربیت فرزند دارد یا نه؟ به او یاد می‌دهید چگونه زنداری بکند یا نه؟ شخصیت انسان ذوابعاد است دیگر. می‌گوید شما او را خلاق بار بیاورید تا کارآفرین شود؛ یعنی می‌خواهد مدل آموزش را به گونه‌ای بازتعریف کند که سود اقتصادی اصل شود. اگر جریان توسعه‌گرا را رها کنید می‌گویند تعدیل همه‌جانبه حول بخش اقتصاد. گرچه در قانون اساسی نوشته‌ایم اقتصاد هدف نیست، اما الان سازمان برنامه و بودجه و ادبیات توسعه غربی اقتصاد را هدف قرار داده‌اند و ابردلایلشان سود اقتصادی است. همانطور که می‌بینید آن تصویر به آرامی در حال شکل گرفتن است. حالا شما می‌گویید من می‌خواهم مدل اداره جامعه را از مبنای سود اقتصادی و ارزش افزوده به مبنای سود ارتباطی تغییر دهم، یعنی هر کاری می‌کنم تا سود ارتباطی را اصل قرار بدهم. همه ما روایت مربوط به پول و مال را دیده‌ایم؛ یک جمله از آن‌ها استفاده می‌شود آن هم این که مال مقوم سود ارتباطی است؛ به همه کسانی که تمکن دارند در روایات پیشنهاد شده است که دست دیگران را بگیرند، از پولتان برای بهینه کردن روابط انسانی استفاده کنید. در اسلام روابط انسانی و سود ارتباطی اصل است و پول هم خدمه سود ارتباطی است. در حالی که در ادبیات توسعه غربی مبنای این است که سود اقتصادی اصل است. خب این دسته اول گفت‌وگوهاست، من در این بخش خیلی معطل نمی‌شوم و از آن عبور می‌کنم. پس اگر سؤال کنید که نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی در مجموع به دنبال چه چیزی

هستند، می‌گویم به دنبال تعدیل همه بخش‌ها حول سود ارتباطی هستند؛ یعنی ما یک هدف داریم و آن این است که روابط انسان‌ها را با یکدیگر بهینه کنیم، این هدف اصلی است. چون اگر روابط انسان‌ها با یکدیگر بهینه شود، ۱۲ دسته سود به دست می‌آید و این مسئله خیلی مهمی است. ان‌شاءالله آن ۱۲ دسته سود مترتب بر روابط انسانی بهینه‌شده را بعداً به صورت تفصیلی توضیح می‌دهم. فکر می‌کنم عرض اول من شکل گرفته است و مشخص شده است که ما یک پایه داریم. البته ممکن است شما بعداً اشکال و انتقاد کنید و من حرفی ندارم؛ گارد ما مانند سازمان برنامه و بودجه بسته نیست. یک وقتی محضر آیت الله طباطبایی در اصفهان (نماینده ولی فقیه در استان و از حاضرین در جلسه) بودیم. بنده اسائه ادب کردم و قبل از ایشان سخنران بودم و مطالبی را مطرح کردم. ایشان بعد از بنده وقتی به منبر رفتند لطف فرمودند و به من هدیه دادند، فقط انتقادات بحث‌های بنده را گفتند و من خیلی خوشحال شدم. من فکر می‌کنم گفتگوهایی مانند گفتگوی اصفهان باید با سایر بخش‌ها هم تکرار شود. من نیز انسان بخا‌ئه‌ای هستم و اینطور نیست که روی یک مسئله کار نکرده باشم. وقتی الان از سود ارتباطی نام می‌برم هم می‌توانم مجموعه استظهارات آن را بگویم و روایات و آیات آن را بخوانم و هم قواعد استنباط بنده، قواعد استنباط کفایه و قواعد استنباط رسائل و قوانین و اینها نیست، قواعد استنباط ما فقه‌اللیان است. به هر حال باید گفت و گو شود و من حرف اولم را زدم؛ می‌گویند تمدن اسلامی چیست؟ می‌شود برای من توضیح دهید که تمدن اسلامی چیست؟ پاسخ می‌دهیم که بله! تمدن اسلامی به دنبال سود ارتباطی است. شما فکر می‌کنید که وقتی سود اقتصادی را اصل قرار می‌دهید انسان‌ها سود می‌برند؛ واقعیت این است که هزینه‌های انسان‌ها افزایش پیدا می‌کند. از یک طرف درآمد کسب می‌کند - مثلاً شما افراد را به عسویه می‌فرستید و در قرارداد او می‌نویسید: ۲۱ روز در عسویه و ۹ روز پیش خانواده باشد - و به او حقوق می‌دهید و ممکن است حقوق مکفی هم بدهید، ولی ۲۱ روز پیش خانواده‌اش نیست؛ یعنی به او سود اقتصادی دادید ولی سود ارتباطی را گرفتید. خودتان قضاوت کنید این کار خوب است یا نه. مشاغلی که بسیاری از ساکنین کرج دارند، اینطور است که ۲ ساعت در راه رفت و ۲ ساعت در راه برگشت هستند و هشت ساعت نیز سر کار هستند؛ یعنی ۱۲ ساعت صرف شغل می‌شود. من سؤال می‌پرسم صاحب این شغل وقتی به خانه می‌رود آیا می‌تواند تربیت فرزند را پیگیری کند؟ می‌تواند همسررداری بکند؟ اگر بتواند می‌خواهد؛ چون انسان‌هایی که دائم در ترافیک هستند حتی نمی‌توانند بخوابند. از نظر اهل بیت هیچ وقت نباید سود اقتصادی مبنا باشد، اهل بیت به دنبال سود رساندن به مردم هستند؛ ولی درکشان از سود، سود ارتباطی است و مال نیز مقوم سود ارتباطی است. پس باید در خدمت سود ارتباطی باشد نه در تضاد با سود ارتباطی. این حرف اول است.

۳. سوال دوم: قالب مشترک نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی کدام است؟

وارد بحث دوم شوم؛ ما در الگوی پیشرفت اسلامی ۱۰۰ نظریه داریم و من به خاطر همین نظریات با کمبریج و استنفورد مواجه می‌کنم. در حوزه قم نیز این نظریات تدوین شده است. ما ۱۰۰ نظریه داریم که سود ارتباطی را از ۱۰۰ بخش تثبیت می‌کنیم، یعنی کلی گویی نکرده‌ایم؛ مبنای خودمان را به صورت نظری می‌گوییم ولی اینکه حوزه‌های مختلف را چطور اداره کنیم تا سود ارتباطی ایجاد شود را در نظریات بخشی شرح داده‌ایم.

همه این نظریات بخشی سه قسمت دارند: یک قسمت پژوهش دارند، یک قسمت پرورش و یک قسمت پردازش دارند؛ یعنی هر نظریه بخشی الگوی پیشرفت اسلامی سه تا ((پ)) دارد؛ بخش پژوهش، بخش پرورش و بخش پردازش.

بخش پژوهش نظریه چه می‌گوید؟ بخش پژوهش نظریه مجموعه استظهارات و آیات و روایات مربوط به نظریه و نحوه استنطاق و استظهار از آیات و روایات را بحث می‌کند، این بخش اول هر نظریه است. پس وقتی دانشنامه الگوی پیشرفت اسلامی به اتمام برسد، ما ۱۰۰ دسته آیات و روایات تبویب می‌کنیم که این تبویب با تبویب اصول کافی فرق می‌کند؛ بلکه ما

اصول کافی، بحارالانوار، بصائرالدرجات و وسائل الشیعه است و منابع اولیه را به رسمیت شناخته‌ایم؛ ولی تبویب روایات را با توجه به نیازهای عصر عوض کرده‌ایم.

حالا بعداً بحثی را مطرح می‌کنم مبنی بر اینکه تبویب فقه، عصری است؛ همین رساله‌هایی که داریم قبلاً اینطور نبوده است، مرحوم وحید مجدّد رساله را در ابتدا اینطور نوشتند و بقیه هم پذیرفتند. بعداً باید مدل رساله‌نویسی تغییر پیدا کند، مدل آن تابع شرایط عصر و سوالاتی که از دین می‌شود باید تغییر پیدا کند. بخش پژوهش نظریه، مهم‌ترین بخش است.

حالا ما پژوهش نظریه را استنباط کردیم؛ آیا به معنای این است که نخبگان نیز از این نظریه درک پیدا می‌کنند؟ خیر اینطور نیست، ما در حوزه نشستیم بودیم و داشتیم روایات را می‌خواندیم و بحث می‌کردیم و به یک درکی رسیدیم ولی سازمان برنامه و بودجه متوجه نیست که ما در حوزه روابط انسانی از استنفورد بهتر نظریه‌پردازی کرده‌ایم. باید چه کار بکنیم؟ بعضی‌ها کتاب خود را می‌دهند و یک مراسم رونمایی می‌گذارند و می‌گویند فلان آقا این کتاب را نوشته است، بروید بخوانید. یعنی مدل نشر خود را ساده تعریف می‌کنند؛ یک کتابی را چاپ می‌کنند، یک مراسم رونمایی می‌گذارند و سخنرانی می‌کنند. بعد از مدتی از صاحب کتاب می‌پرسید که حاج آقا! کتاب شما چه شد؟ می‌گوید گوشه کتابخانه است و کسی اصلاً به آن توجه ندارد. بعد ممکن است این شخص گلایه کند و بگوید انگار مردم آنچنان که باید به علم علاقمند نیستند! توپ را در زمین مردم و نخبگان می‌اندازد و می‌گوید به کتابی که روی آن دو دهه زحمت کشیدیم توجه نمی‌کنند. یک وقت نیز می‌توان به گونه دیگر آسیب شناسی کرد؛ اینکه بگوییم به مدل تفاهم هم نیاز است. همانطور که برای پژوهش یک الگو دارید برای تفاهم نیز باید یک الگو داشته باشید. این بخش پرورش نظریه است. نظریات ما اینگونه است که مدل جا انداختن آنها نیز به ضمیمه خودشان است؛ یعنی وقتی شما خود کتاب را می‌خوانید از یک بخشی به بعد برای خواننده توضیح می‌دهد که این نظریه باید چگونه جا بیافتد؛ یعنی مدل پرورش نیز بر آن حاکم است. این هم بخش دوم همه نظریات است.

بخش سوم همه نظریات بخش پردازش نظریات است، یعنی چگونگی اجرای آن نظریه نیز بحث توضیح داده شده است؛ مدل اجرای آن نیز به نظریه منضم شده است. پس ما تعریف نظریه را تکامل داده‌ایم: نظریه، هم بخش پژوهش هم بخش پرورش و هم بخش پردازش دارد. جامعه اینگونه ساخته می‌شود، من فکر می‌کنم حوزه علمیه سال ۱۳۹۷ در بخش پژوهش کارهای خوبی کرده‌اند. گاهی من می‌بینم حضرت آیت الله مکارم شیرازی می‌فرمایند ما در حوزه در سال‌های گذشته کارهای بسیار خوبی کرده‌ایم و یک مقدار نیز تعریض می‌زنند به کسانی که می‌گویند حوزه کم‌کاری کرده است. (درس خارج معظم له، ۱۳۹۷/۱۰/۲۶) من با این قید حرف این مرجع بزرگوار را فهم می‌کنم که در بخش پژوهش کارهای خوبی شده است؛ ولی چون بخش پرورش و پردازش ندارد جامعه بیرونی این کارها را نمی‌بیند و با آن ارتباط نمی‌گیرد. مردم می‌پرسند طلبه‌ها برای مشکلات ما چه کار می‌کنند؟ این سؤال عمومی شده است. لذا اگر الگوی ساخت را درس بدهید و بر روی آن کار کنید این مشکل برطرف می‌شود. اگر نظریه را به بخش پرورش و پردازش ببرید، حتی می‌توانید قضاوت کنید که پژوهش شما عمیق بوده است یا نه؛ ولی وقتی پرورش و پردازش تعریف نمی‌کنید اصلاً قضاوت ایجاد نمی‌شود. می‌گویند آقا چهارصد جلسه بحث گفته است ولی محک نخورده است و فقط ۴۰۰ جلسه بحث گفته است. خیلی مهم است که نظریه‌پردازی ما بر اساس چه الگویی باشد، این حرف دوم بنده است و خیلی مهم است. آن موقع که ما برای برنامه ششم کشور پیشنهاد دادیم، پیشنهادها ما بر اساس الگوی ساخت بود؛ یعنی بخش پژوهش، پرورش و پردازش داشت. می‌دانید چه اتفاقی افتاد؟ آیندگان این حرف بنده را بهتر می‌فهمند! یک اتفاق مبارک افتاد؛ بعد از ۷۰ سال - مراد، از سال ۱۳۲۷ به بعد است - که یک اتفاق بد در مملکت می‌افتاد و آن این بود که سازمان برنامه و بودجه یک برنامه می‌نوشت و امضای آن را از مجلس می‌گرفت؛

برای اولین بار برنامه ششم نوشته شده توسط سازمان برنامه و بودجه دو بار پیاپی در دو مجلس رد شد، اتفاق یک اتفاق تاریخی بود. دوستان به من می‌گویند می‌شود بگویند الگوی پیشرفت اسلامی چه کار کرده است؟ من همیشه به بعضی از آنها می‌گویم در اولین مصاف اجازه نداد که یک برنامه توسعه غربی در ایران تصویب شود. اگر دوستان مجلس با ما بیشتر همکاری می‌کردند ما یک برنامه جایگزین هم می‌دادیم، مسئله خیلی مهمی اتفاق افتاده است. ما چطور این کار را کردیم؟ با الگوی ساخت. مزیت الگوی ساخت چیست؟ قدرت پرورش دارد. من حالا اسم نمی‌آورم ولی بعدها که یک دهه گذشت من گزارش جلساتمان در بعضی از کمیسیون‌ها را منتشر می‌کنم. در یکی از کمیسیون‌ها همه اعضای کمیسیون از همه جناح‌ها به اجماع رأی به رد برنامه ششم دادند. چرا؟ چون قبل از رأی‌گیری بر اساس الگوی ساخت دو دور گفت و گو اتفاق افتاد و برای همه واضح شد که این برنامه - آن بخش از برنامه که در آن کمیسیون خاص بررسی می‌شد - چه اشکالاتی دارد. می‌شود کارها را جلو برد، منتها باید الگوی نظام‌سازی و الگوی ساخت را تغییر بدهیم. من از بخش دوم هم عبور کنم، پس مهم نیست که نظریه داریم یا نداریم، مهم این است که آیا قدرت پرورش آن را داریم یا نه؟ قدرت جا انداختن آن را داریم یا نداریم؟ الان چرا یک موج ملی راجع به محصولات تراریخته اتفاق افتاده است؟ به فضل الهی یک لشکر آدم مؤمن، انقلابی و دلسوز ایستاده و می‌گویند تراریخته سم است و غذا نیست! مدل طراحی آن بر اساس الگوی ساخت بود، مسئله تراریخته‌ها یکی از آن مواردی است که ما الگوی ساخت را به کارگیری کردیم و تفاهم کردیم. می‌شود این را تکرار کرد و جا انداخت. بنابراین بخش دوم عرایض بنده دعوت به فهم و به کارگیری الگوی ساخت است، دعوت به بررسی دقیق یک الگوی نظام‌سازی و برنامه‌ریزی جدید موسوم به الگوی ساخت یا الگوی نظام‌سازی اسلامی است. من آرام آرام دارم تصویر مطلوب خودم از برنامه‌ریزی را تکمیل می‌کنم. دو بخش از آن را عرض کردم: در بخش اول مبنای برنامه‌ریزی را گفتم که به دنبال سود ارتباطی است. در بخش دوم مدل نظریه‌پردازی را بحث کردم و عرض کردم که همه نظریات ما در چارچوب الگوی ساخت هستند که ان‌شاءالله این را بیشتر مباحثه خواهیم کرد.

۴. سوال سوم: اولویت‌دارترین نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی کدام نظریات هستند؟

اما بخش سوم و پایانی عرایض بنده؛ من می‌خواهم نه نظریه را به صورت بسیار اجمالی توضیح دهم و دعوت اصلی من از سازمان برنامه و بودجه این است که به قم تشریف بیاورید تا با هم گفتگو کنیم یا زمینه ۲۰۰ ساعت گفتگو در سازمان برنامه و بودجه را فراهم کنید. آنجا می‌خواهیم چه چیزی را بحث کنیم؟ بخش عمده بحث، این نه نظریه است. عناوین آنها را می‌گویم و اگر تمایل داشتید می‌توانیم آنها را در جلسات دیگر تفصیلی بحث کنیم. نظریه اول ما - که منجر به تحکیم سود ارتباطی می‌شود - نظریه مدیریت شهری محله‌محور است. نظریه دوم که می‌خواهم امروز اجمالاً بحث کنم نظریه پیشگیری ساختاری است. این نظریه به حوزه سلامت مربوط می‌شود و غیر از نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم است. ما در نقشه راه دو نظریه داریم که اسم‌های آنها شبیه هم هستند؛ یکی نظریه پیشگیری ساختاری است و یکی هم نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم. من نظریه حوزه سلامت را می‌خواهم توضیح بدهم. نظریه سوم نظریه آموزش و پرورش آینده است که توضیح می‌دهد آموزش و پرورش مطلوب چیست. نظریه چهارم نظریه تعرف است؛ نظریه تعرف نظریه حوزه محرومیت‌زدایی است؛ ما در ذیل این نظریه توضیح داده‌ایم که چگونه امور مستضعفین و محرومین را مدیریت کنیم. نظریه پنجم نظریه مدرسه اقامه است؛ نظریه مدرسه اقامه حوزه علمیه مطلوب‌تر از وضعیت فعلی را تصویر می‌کند. نظریه ششم نظریه الگوی جدید نگرهبانی از نظام است که به دلیل اهمیت آن امروز تقدیم شما برادران و خواهران گرامی شد. نظریه هفتم الگوی تنظیم و تحلیل خبر است؛ صدا و سیما را چطور اداره کنیم؟ پیام‌رسانی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را چطور اداره کنیم؟ در حال حاضر فضای مجازی یک مشکل است دیگر. ما ذیل الگوی تنظیم و تحلیل خبر با توسعه معنایی که در بحث خبر داده‌ایم یک پیشنهاد

تئوریک برای سرپرستی حوزه رسانه‌ای کشور آماده کرده‌ایم. نظریه هشتم نظریه علم آینده است و نظریه نهم که اگر وقت کنم آن را شرح می‌دهم نظریه الگوی تولید خانوادگی است. در بخش تولیدی کشور دو نظریه با هم رقابت می‌کنند که به هر دو منتقدیم؛ یک عده - که الان تعداد آن‌ها کم شده است - طرفدار اقتصاد دولتی هستند و عده دیگر طرفدار خصوصی‌سازی هستند. یک جمعیت دیگر نیز معتقد به اعتقاد اقتصاد مردمی هستند که من تاکید می‌کنم اقتصاد مردمی غیر از اقتصاد خصوصی است. ما ذیل نظریه الگوی تولید خانوادگی نحوه مردمی کردن اقتصاد را شرح داده‌ایم. این عناوین نظریاتی است که محضر شما مطرح می‌کنم.

من یک توضیح خدمت برادران و خواهران گرامی بدهم؛ آن توضیح عبارت از این است که به دلیل ضیق وقت و وقت محدودی که بنده در اختیار دارم که فکر می‌کنم بخش عمده آن گذشته است، توضیحات من راجع به این نظریات بخشی، در چارچوب الگوی ساخت نخواهد بود؛ اگر وقت بود همه این نظرات را بر اساس الگوی نظام‌سازی اسلامی شرح می‌دادم. الان فقط سؤال اصلی هر نظریه را توضیح اجمالی می‌دهم، این عرائض مختصر بنده است. توضیح می‌دهم که در این نظریه سؤال اصلی ما دقیقاً چیست و بر روی چه مسئله‌ای ایستاده‌ایم و بحث کرده‌ایم، سعی می‌کنم این را محضر شما توضیح بدهم. آقایان اگر مایل باشند استراحت مختصری داشته باشیم تا بعد از هفت هشت دقیقه محضر محترمان این نظریات را شرح دهم.

بسم الله الرحمن الرحيم

در قسمت قبل گزارش بیان شد که ساختار مباحثاتی که در مورد الگوی پیشرفت اسلامی در این جلسه گزارش می‌دهم دارای سه بخش است، این سه بخش کمک می‌کند که تصویر تکمیلی از اداره جامعه با الگوی پیشرفت اسلامی در اذهان شکل بگیرد. در قسمت اول بیان شد که اداره جامعه از منظر الگوی پیشرفت اسلامی بر مبنای سود ارتباطی پایه‌ریزی می‌شود، درحالی‌که اداره جامعه بر مبنای توسعه غربی بر اساس ارزش افزوده و سود اقتصادی است.

در قسمت دوم عرایض ساختار نظریه‌پردازی منتج به کاربرد را بحث کردم. عرض کردم که می‌توان نظریه‌پردازی کرد اما در متن نظریه به شکل پرورش نظریه و اجرای آن فکری نکرد. بنده فکر می‌کنم بخش قابل توجهی از پژوهش‌هایی که در حال حاضر در حوزه علمیه قم موجود است، قابلیت استفاده در اداره جامعه را دارند اما به دلیل غفلت نظریه‌پردازان محترم از نحوه پرورش و پردازش نظریه‌شان، این نظریات عملاً در کتابخانه‌ها باقی مانده‌اند و بعضی تصور کرده‌اند که حوزه علمیه، ورودی به نظام‌سازی ندارد. اگر شورای عالی حوزه‌های علمیه - چه در مشهد مقدس چه در شهر قم با عظمت - سرفصل‌های درسی را راجع به الگوی برنامه‌ریزی، قرار دهند و آن سرفصل‌های درسی هم فقهی بوده و حجیتشان تمام باشد - نه اینکه همین مباحث دنیای سکولار و پوزیتیویستی را تدریس کنند - ما می‌توانیم در یک دهه آینده یک حوزه علمیه بالنده‌تر از وضعیت فعلی در اختیار داشته باشیم. من حتماً تأکید می‌کنم که حوزه علمیه در چهل سال گذشته کارهای خوبی را انجام داده است اما بخش عمده‌ای از این کارهای خوب پرورش نیافته و بر روی آن‌ها برنامه تفاهمی ایجاد نشده است و به‌طریق اولی برنامه‌پردازی و اجرایی هم پیدا نکرده است.

لذا این خوب نیست که علمای بلاد فقط از مخاطبین نخبه خودشان گله کنند که چرا آثار استنباط شده در حوزه را مطالعه نمی‌کنید؛ حتماً باید علمای بلاد پیش قدم شده و روش نظام‌سازی را در آموزش‌های حوزه توسعه بدهند. این هم دومین بخش تصویر بنده بود؛ اگر سؤال کنید برنامه شما برای آینده پنجاه سال انقلاب اسلامی و برای دوره مانده تا ظهور حضرت ولی عصر

ارواحنا فداه - که نمی‌دانیم دقیقاً چقدر است اما اجمالاً حس می‌کنیم که آن دوران نزدیک است - چیست، قسمت دوم پاسخ ما این است که روش ورود به جامعه را بر مبنای اصول نظام‌سازی پیاده کنیم.

قسمت سوم گزارش امروز بنده به این اختصاص دارد که نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی را به صورت اجمالی محضر شما مطرح کنم. البته نه به این معنا که تبیین تفصیلی و تشریح عمیق داشته باشیم بلکه فقط این نظریات را طرح خواهیم کرد. طرح این نظریات هم به محوریت سؤال‌هایی است که محور این نظریات هستند. ان‌شاءالله در جلسات تفصیلی‌تر می‌توان این نظریات را بر اساس الگوی ساخت تشریح کرد.

۴/۱. اولین نظریه: مدیریت شهری محله محور

اولین نظریه‌ای که مطرح کردیم نظریه «مدیریت شهری محله محور» است؛ ما معتقدیم شهر اسلامی مجموعه‌ای از محله‌هاست و نمی‌توان شهر را به عنوان یک واحد متمرکز اداره کرد. البته محله هم همان تصویری نیست که در ذهن من و شما وجود دارد که یک محلات قدیمی مثل محله علیقلی آقا در اصفهان داشته باشیم. همچنین منظورمان از اینکه باید محله درست کنیم این نیست که می‌خواهیم محله علیقلی آقا را تکرار کنیم. شاید محله سی و یژگی داشته باشد ولی در محله علیقلی آقا - که بنده دو سال قبل آن را به صورت میدانی بررسی کردم - هشت ویژگی از این سی و یژگی وجود دارد؛ یعنی علمای دوره صفویه (رحمت‌الله علیهم اجمعین) که زحمات زیادی کشیده‌اند به این سمت رفتند که مدیریت شهری را جدی بگیرند اما در روایات مباحثات جدی‌تری هم وجود دارد. ان‌شاءالله بعداً باید تعریف محله را به صورت جدی بحث کنیم.

سؤال اصلی که در مدیریت شهری محله‌محور مطرح کرده‌ایم تعریف محله است و در آن محله را به صورت تفصیلی بازتعریف کردیم. در تعریف ما اصولی وجود دارد که منجر به «بهینه شدن روابط انسانی» که مبنای کل نظریات بخشی الگو است می‌شود. در آنجا به یک اصلی به نام «تَعْرِفُ» می‌رسیم. قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»؛ (سوره مبارکه حجرات، آیه ۱۳) ما شما را شعبه شعبه و قبیله قبیله قرار دادیم تا بین شما تعارف ایجاد شود. یعنی بین شما شناخت طرفینی گسترده ایجاد شود و یعنی همدیگر را بهتر بشناسید.

شناخت انسان‌ها از یکدیگر منشأ سبک زندگی و منشأ نظم اجتماعی است؛ یعنی اگر میان انسان‌ها تعرف وجود داشته باشد یک‌طور زندگی کرده و اگر میان آن‌ها تعرف نباشد به شکل دیگری زندگی می‌کنند. برای مثال می‌خواهید همسر انتخاب کنید، حال اگر در محیطی زندگی کنید که خود شما و خانواده‌تان اطرافیان را خوب بشناسید؛ انتخاب همسر به صورت دقیق و فنی اتفاق می‌افتد و آن شناخت طرفینی گسترده به کار می‌آید. اما اگر این شناخت نباشد - مثلاً الآن در شهر تهران که به جای تعرف پدیده گمنامی وجود دارد - انسان‌ها برای انتخاب همسر چه کار می‌کنند؟ مثلاً الآن سایت‌های همسرگزینی را ترویج می‌دهند؛ یعنی چون تعرف وجود ندارد انسان‌ها برای انتخاب همسر مجبور هستند از مدل‌های مجازی استفاده کنند. حال سؤالی می‌پرسم: آیا انسان می‌تواند در اینترنت طرف زندگی خود را بشناسد؟! آیا در خیابان انتخاب درست اتفاق می‌افتد؟ پس یکی از کارکردهای تعرف انتخاب دقیق همسر است.

یکی دیگر از کارکردهای تعرف، امنیت است؛ وقتی انسان‌ها همدیگر را می‌شناسند خودکنترلی توسعه پیدا کرده و به خاطر مسئله آبرو و عرض، انسان‌ها ملاحظه کرده و خود را کنترل می‌کنند. ولی اگر گمنامی گسترش پیدا کند و شما به جایی بروید که کسی شما را نشناسد با به جایی بروید که تعرف نباشد خودکنترلی جای خود را به مانیتورینگ می‌دهد؛ یعنی شما مجبور

هستید پلیس‌تان را به سمت دیگری ببرید. بنده قبلاً به دوستان نیروی انتظامی گفته‌ام که به امنیت مبتنی بر تعرف فکر کنید؛ امنیت زائیده تعرف است، از راه توسعه خودکنترلی که منشأ امنیت است.

غیرازاین دو خاصیتی که بیان شد، تعرف بیست‌وچند خاصیت دیگر هم دارد. درحال حاضر مدیریت شهری‌ای را بحث می‌کنیم که مبتنی بر محله است و محله را نیز به محوریت تعرف توضیح می‌دهیم. حال شما این را با مدیریت شهری مبتنی بر TOD مقایسه کنید؛ الان در اکثر شهرهای بزرگ ایران مانند مشهد اصفهان تهران تبریز و سایر شهرها بر اساس TOD برنامه‌ریزی می‌کنند؛ *transit-oriented development*، یعنی حمل‌ونقل متمایل به توسعه. بر این اساس برنامه‌ریزی می‌کنند؛ یعنی مدیران شهری به دنبال توسعه حمل‌ونقل هستند. یا بر اساس نظریه شهر خلاق برنامه‌ریزی می‌کنند. هدف یازدهم سند توسعه پایدار شهرسازی از نظر سازمان ملل را توضیح داده است. در شهرسازی آن‌ها تعرف، نیست در نتیجه روابط انسانی به چالش کشیده شده و سود ارتباطی تضعیف می‌شود. ان‌شاءالله این موضوع را به صورت تفصیلی بحث خواهم کرد. پس نظریه اول از نظریاتی که امروز تشریح می‌کنم نظریه مدیریت شهری محله‌محور است. نوآوری استظهاری این نظریه در گام اول تعریف محله مبتنی بر تعرف است که تعرف هم خود حدود سی کارکرد در زندگی امروز بشر دارد. بنده شهرداری و شورای محترم شهر مشهد را دعوت می‌کنم که گفتگوها راجع به مدل اداره شهر با نگاه محله‌محوری را توسعه دهند.

۴/۲. دومین نظریه: پیشگیری ساختاری از بیماری

نظریه دومی که امروز طرح می‌کنم و سؤال اصلی آن را توضیح می‌دهم نظریه «پیشگیری ساختاری» است. همان‌طور که عرض کردم مهم‌ترین پیشنهاد سند توسعه پایدار در بخش سوم، ایده‌ای به نام پوشش همگانی سلامت است؛ یعنی WHO و وزارت بهداشت که از WHO تقلید می‌کند - بنای خود را بر این گذاشتند که درمان و مسائل مبتنی بر درمان را جدی بگیرند و لذا ایده‌ای به نام پوشش همگانی سلامت شکل گرفته است. ایده پوشش همگانی سلامت ارکانی دارد؛ از جمله اینکه باید دسترسی به داروها و واکسن‌ها و خدمات پزشکی و تجهیزات پزشکی در همه کشور توسعه پیدا کند؛ (کتاب سلامت در سال ۲۰۱۵؛ حرکت از MDGs به سوی SDGs، ص ۷۴) یعنی بنای وزارت بهداشت و درمان ما بر این است که خدمات درمان را توسعه دهد، بنای او بر این است که دائماً تخت‌های بیمارستانی را گسترش دهد، بنای او بر این است که دائماً داروخانه‌ها را زیاد کند، بنای او بر این است که دائماً بیمارستان‌ها را بیشتر کند و درحال حاضر دارد این کار را می‌کند. وقتی وزرای محترم بهداشت - که من می‌دانم آدم‌های دلسوزی هستند - گزارش می‌دهند بیان می‌کنند که وزارت بهداشت، خدمات درمان را گسترش داده است. درحالی که باید حتی اسم وزارت بهداشت و درمان هم تغییر کند و به جای وزارت درمان باید وزارت سلامت داشته باشیم. برنامه‌ریزی‌های آن نیز باید منجر به پیشگیری از بیماری شود و پیشگیری از بیماری باید موضوع برنامه‌ریزی باشد و پروتکل‌های بخش سلامت همه باید به محوریت مسئله پیشگیری باز تعریف شوند. البته وزارت بهداشت و درمان در زبان و در بعضی از نوشته‌ها و برنامه‌ها به صورت فرعی مسئله پیشگیری را دنبال می‌کند. اما سخن در این است که چرا این برنامه اصلی نیست؟! چرا بودجه‌ها، پژوهش‌ها و تصمیم‌ها به این سمت نمی‌رود که پیشگیری از بیماری را اصل قرار دهد؟!

ما در نظریه پیشگیری ساختاری، چگونگی پیشگیری از بیماری را به صورت استظهاری و فقهی توضیح داده‌ایم؛ یعنی بحث شده است که چه کار کنیم تا پیشگیری از بیماری در نظام برنامه‌ریزی جامعه اصل قرار بگیرد، این کار را ذیل نظر پیشگیری ساختاری انجام داده‌ایم. البته می‌دانم که در سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در فصل دوم مسئله پیشگیری مطرح شده و سازمان ملل

بیان کرده است که اگر در حوزه شغل، امور اجتماعی و در حوزه محیط‌زیست یکسری بازتعریف‌ها را انجام دهیم، می‌توانیم پیشگیری از بیماری را ایجاد کنیم. منتها نکته این است که خود سازمان ملل گفته است این کار اصلی ما نیست بلکه پوشش همگانی سلامت کار اصلی ماست. خانم دبیرکل سابق WHO در مقدمه کتاب مرجع بخش سوم سند توسعه پایدار به صراحت گفته است که پوشش همگانی سلامت هدف اصلی است و نه پیشگیری.

البته اگر پیشگیری را هم اصل قرار می‌دادند، اختلاف ما در حوزه علمیه قم با WHO در ساختار پیشگیری باقی می‌ماند؛ ما با WHO و وزارت بهداشت دو اختلاف داریم: یک اختلاف این است که چرا راهبرد اصلی شما پیشگیری نیست و راهبرد اصلی پوشش همگانی سلامت است؟ اختلاف دوم هم این است که پیشگیری از بیماری را ناقص بحث کرده‌اید؛ ساختار پیشگیری سه بخشی نیست. از نظر ما (حوزه علمیه قم) ساختار پیشگیری از بیماری نه بخش دارد و ما به برکت اتکا به آیات و روایات، خیلی دقیق‌تر از کارشناسان WHO پیشگیری را مطرح کرده‌ایم. ان‌شاءالله اگر در آینده جلساتی تحت این عنوان بود این نظریه را توضیح خواهیم داد.

بنده در همین مشهد مقدس آقای قاضی‌زاده هاشمی (وزیر بهداشت دولت یازدهم و دوازدهم) را - آن زمان که مسئولیت داشتند - دیدم و به ایشان پیشنهاد دادم که با یکدیگر گفتگو کنیم. ایشان بعد از اندکی مقاومت وعده دادند که این گفتگو اتفاق بیفتد، ولی در عمل این وعده محقق نشد. الان هم نسبت به برادر خوبم آقای نمکی - وزیر جدید - خیرمقدم عرض می‌کنم و از ایشان تقاضا دارم که بیاید تا گفتگو کنیم. ما کتاب‌های سازمان ملل را خواندیم و کتاب‌های مرجع طب را در قم بررسی می‌کنیم. گفتگو اشکال ندارد، بلکه عدم گفتگو اشکال دارد. چه خوب می‌شد که وزارت بهداشت به جای اینکه دعوا و اوقات تلخی بکند - آن هم با طلبه‌ها که سپر و پشت‌وپناه مردم هستند - بیاید و با ما گفتگو کنیم. محضر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام ایشان را شاهد می‌گیرم که ما خیلی تلاش کردیم تا با وزارت بهداشت گفتگو کنیم. من اینجا عرض می‌کنم که ما یک جناح علیه یک جناح نیستیم؛ ما طلبه هستیم و سعی می‌کنیم یک چیزهایی را از روایات بفهمیم و بیاییم به مسئولان بگوییم. این خوب نیست که در جمهوری اسلامی گاردها بسته باشد، من عرض کردم مسئولین وزارت بهداشت انسان‌های خوبی هستند، ولی یک عیب دارند و آن این است که گفتگو را نمی‌پذیرند. از آن‌ها دعوت می‌کنیم که بیایند تا نظریه پیشگیری ساختاری را با یکدیگر مقایسه کنیم، هیچ اشکالی ندارد که حوزه و دانشگاه با یکدیگر گفتگو کنند. این یک خبر بوده و تحلیل نیست؛ درحال حاضر جمع کثیری از اطباء مدرن طرفدار دیدگاه‌های حوزه سلامت اسلام هستند؛ یعنی وقتی گفت‌وگو را خارج از سیستم رسمی پذیرفتند مشاهده کردند که این حرف‌ها، حرف‌های منطقی است؛ اما امان از عدم گفتگو. اگر گفتگو را توسعه دهیم می‌توانیم با سایر دوستان هم تفاهم کنیم. پس پیشگیری ساختاری یک بحث مهم است.

بنده دوباره به خاطر گسترش بیماری‌ها در ایران دعوت می‌کنم که یا وزارت بهداشت تضمین بدهد که در برنامه‌ریزی او مردم ایران در سال‌های آینده کمتر مریض شوند که در این صورت ما کاری نداریم. اما اگر نمی‌تواند، پس برنامه‌های خود را تغییر دهد. امیدوارم که این گفتگو اتفاق بیافتد. پس این هم نظریه دوم امروز است؛ حرف ما در نظریه دوم این است که پیشگیری ساختاری از بیماری را تبیین می‌کنیم و ساختار پیشگیری نیز ساختار حیات است که تشریح خواهیم کرد.

۴/۳. سومین نظریه: آموزش و پرورش آینده

نظریه سوم نظریه «آموزش و پرورش آینده» است. حرف اصلی نظریه آموزش و پرورش آینده چیست؟ می‌گوید به جای اینکه پرورش ظرفیت‌های انسانی را موضوع آموزش و پرورش قرار دهید، ایجاد و تکامل ظرفیت‌های انسانی را موضوع

آموزش و پرورش قرار دهید. یعنی چه؟ مثال می‌زنم تا روشن شود. وقتی روایات باب تربیت فرزند را بررسی می‌کنیم به یک دسته از روایات تحت عنوان روایات باب انعقاد نطفه برمی‌خوریم. طبق جمع‌بندی ما در کارگروه پژوهش، روایات باب انعقاد نطفه چهار دسته روایت هستند که این چهار دسته روایت نحوه انعقاد نطفه را توضیح می‌دهند.

اگر به این روایات عمل شود سه دسته خاصیت ایجاد خواهد شد؛ ۱. کودکی که متولد می‌شود از لحاظ ظاهری، زیباتر خواهد بود. بخشی از نقص‌های جسمانی، مربوط به نحوه غلط انعقاد نطفه است، بخشی از عدم زیبایی‌ها در پوست و عدم تناسب اعضا مربوط به انعقاد نطفه است.

۲. خاصیت دیگری که در این دسته از روایات وجود دارد این است که کودک متولد شده در فرایند انعقاد نطفه صحیح، از لحاظ فکری رشد یافته‌تر است و قوه درک و دریافت او ارتقا پیدا می‌کند. مثلاً از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت شده است که اگر مادر در دوران حمل، گندر مصرف کند، فرزند او ذکی خواهد شد. (الکافی، ج ۶، ص ۲۳) حالا بعداً در مورد کندر و نحوه مصرف آن بحث خواهیم کرد و الآن فقط می‌خواستم اصل آن را بگویم. همین توصیه‌ای که راجع به دوران حمل وجود دارد راجع به انعقاد نطفه هم است اما به دلیل اینکه وقت جلسه اجازه نمی‌دهد وارد تفصیل این روایات نمی‌شوم و فقط اشاره می‌کنم. مثلاً در روایت دارد که اگر انعقاد نطفه همراه با تصویر زن اجنبی باشد فرزند مَحْنَث خواهد شد، (الاختصاص، ص ۱۳۳) یعنی در فرزند پسر میل جنسی زنان به وجود می‌آید. در حال حاضر به دلیل گسترش فضاهای ناهنجار در شبکه‌های اجتماعی این روایت مصداق‌های زیادی پیدا کرده است. روایات باب انعقاد نطفه منشأ رشد درک انسان‌ها هم می‌شود.

۳. روایات هم تحت تأثیر انعقاد نطفه و تحت تأثیر دوران تربیت قرار می‌گیرند؛ [مثلاً اینکه چطور] فرزند شجاع و فرزندی بخیل است. مثلاً اگر انعقاد نطفه در بعضی از اوقات صورت گیرد، فرزند بخیل خواهد شد. (الاختصاص، ص ۱۳۳) خب این مجموعه علوم و اسرار اهل بیت علیه السلام الآن در دست ماست - من فقط مثال زدم، روایات خیلی بیشتر هستند - لذا حرف ما با آموزش و پرورش این است که اگر مثلاً روایات باب انعقاد نطفه - با شکل مبتنی بر حیا و قواعد خاص - نه به شکلی که سند ۲۰۳۰ پیشنهاد داده است - آموزش داده شود نسل آینده ما زیباتر، باهوش‌تر و با اخلاق‌تر خواهد بود. تربیت انسان صرفاً با بیان نیست؛ امور دیگری نیز در تربیت و آموزش و پرورش تأثیر دارند.

بر همین اساس ذیل نظریه آموزش و پرورش آینده پنج دسته اقدام که منجر به ارتقاء ظرفیت‌های انسان می‌شوند را مباحثه کرده‌ایم. اولین دوره آن نیز در اصفهان مبارک اتفاق افتاد و الآن کتاب آن منتشر شده است. (شهریور ۱۳۹۷ مصادف با محرم الحرام ۱۴۴۰ در مسجد رکن الملک) ما فکر می‌کنیم آموزش و پرورش آینده در درجه اول باید به دنبال ارتقاء ظرفیت‌ها باشد؛ یعنی کاری کند تا کودکی که متولد می‌شود دارای ظرفیت‌های جسمی، ذهنی و اخلاقی بالاتری باشد. با این کودک راحت‌تر می‌شود تعلیم و تأدیب را جلو بود تا کودکی که دچار حمق است. حتماً با انسان‌هایی که دارای حمق هستند برخورد کرده‌اید؛ در آنجا حکم مداراست و هیچ کاری نمی‌توانید انجام دهید. نه می‌توان دعوا و نه می‌توان استدلال کرد؛ چون قوه دریافت او به چالش کشیده شده است.

اما این مجموعه مباحثات که از معادلات پوزیتیویستی به دست نمی‌آید بلکه از در خانه اهل بیت علیهم السلام و از در خانه امام رضا علیه السلام بیرون می‌آید. حالا طلبه‌های ضعیفی مثل ما پنج دسته روایت - البته روایات خیلی بیشتر هستند - را استنباط کرده‌اند که کمک می‌کنند توسعه ظرفیت‌های انسانی اتفاق بیفتد. اما مردم ما این‌ها را نمی‌دانند؛ آقایان ملا و مبلغین

زبردست ما گاهی وقت‌ها بر سر منبر یک اشاره‌ای به بعضی از آن‌ها می‌کنند ولی اگر این‌ها تبویب، مباحثه و آموزش داده شود [خیلی تأثیرگذار خواهد بود]. تا به حال از خودتان پرسیده‌اید چرا این همه عمل جراحی زیبایی در ایران وجود دارد؟ همه عمل جراحی می‌کنند، بعد هم به خدا نسبت می‌دهند و می‌گویند تقدیر این‌گونه بوده است که قیافه ما این‌گونه شود.

البته در این جلسه نمی‌خواهم وارد بحث شوم و الا تفصیلاً در ذهنم موجود است که چه اتفاقاتی در دوره حمل و انعقاد نطفه افتاده است که باعث می‌شود زیبایی فرد به چالش کشیده شود. دستگاه فکری پوزیتیویستی [برای حل این شکل] می‌گوید عمل جراحی انجام بده. در عمل جراحی نیز می‌بینید که گاهی بینی فرد را عمل می‌کنند اما او از دنیا می‌رود. می‌توانید ببینید و این بحث‌ها را مباحثه کنید. انسان اگر به در خانه اهل بیت علیهم السلام برود برای او فرج حاصل خواهد شد. چهره بسیار مهم است؛ در روایات هفت نوع چهره انسانی وارد شده است؛ یعنی صورت‌های اولیه هفت نوع هستند. البته صورت‌های ترکیبی نیز پیدا می‌شوند؛ یعنی به‌عنوان مثال مادر از نوع اول چهره و پدر از نوع دوم چهره است. بعضی از وقت‌ها غلبه نظام وراثت اتفاق نمی‌افتد و چهره‌ها ترکیب می‌شوند. در این هنگام در روایت توضیح داده شده است که چه کار کنید تا بچه‌های شما به‌عنوان مثال به دایی‌ها و خاله‌ها یا اینکه شبیه خود مادر و پدر خود شوند. همه این موارد در روایات توضیح داده شده است، اما چرا ما این مطالب را مباحثه نمی‌کنیم؟!

بنابراین می‌توانید آموزش و پرورش را به این شکل بحث کنید؛ می‌گویید: من آموزش‌هایی را در دستور کار قرار می‌دهم که به ارتقاء ظرفیت کمک کند. همه مباحث ریاضی ۱، ریاضی ۲، ریاضی ۳ و فیزیک ۱، فیزیک ۲، فیزیک ۳ و زیست ۱، زیست ۲، زیست ۳ نخوانیم. یک مقداری نیز روایات باب شکل‌گیری شخصیت را تبویب و بحث کنیم. اجازه دهید دو، سه دوره درس خارج این مطالب در قم برگزار شود، دائماً نگویند ثلاثة لیس لها نهایه؛ رسائل و مکاسب و کفایه. این‌ها روایات ما هستند و ما این‌ها را بحث کرده و سند و استظهاراتشان را بررسی می‌کنیم.

به فضل الهی الآن دوره اول مباحثات آموزش و پرورش آینده در دسترس است که تصویر می‌کند که آموزش و پرورش مطلوب باید چگونه باشد. [در این قسمت جلسه آرام آرام آن بحث تفصیلی‌ای که وعده دادم در حال شکل‌گیری است.

۴/۴. نظریه چهارم: نظریه تعریف (نظریه حوزه محرومیت‌زدایی)

نظریه چهارمی که بحث می‌کنم، «نظریه تعریف» است. سؤال نظریه تعریف این است که چگونه محرومیت‌زدایی کنیم و محرومیت‌ها را از بین ببریم؟ در حال حاضر کمیته امداد، بنیاد مستضعفان، بهزیستی و قرارگاه پیشرفت و آبادانی سپاه وجود دارد و انقلاب به شعار خود در مسئله رسیدگی به محرومین وفادار است. ما اردوهای جهادی را نیز [در کنار گروه‌های مذکور] داریم و ده‌ها گروه دیگر هم پای کار هستند. اما نظریه‌ای که در حوزه محرومیت‌زدایی استفاده می‌کنند، نظریه معیوبی است. من این مطلب را توضیح بدهم؛ در کشور دو تعریف مبنای محرومیت‌زدایی است. تعریف اول این است که محرومیت‌زدایی را به دادن امکانات به محروم تعریف می‌کند؛ جاده‌ای بسازیم و آب و برقی رسانده و یارانه‌ای بدهیم. [این تعریف می‌گوید] در بخش‌های مختلف امکانات را میان مردم توزیع کنید و به این روش محرومیت از بین می‌رود. این یک دیدگاه است و البته ممکن است به وسیله این دیدگاه موقتاً محرومیت کم شود و بنده منکر آن نیستم.

یک دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که سازمان ملل آن را ذیل بخش اول سند توسعه پایدار پیشنهاد داده است. سازمان ملل بیان کرده است که باید توانمندسازی را در دستور کار قرار دهید. توانمندسازی هم از آن کلمات زیبای جافتاده است که یک محتوای خراب در داخل آن است و متأسفانه همه از آن استفاده می‌کنند و می‌گویند کارگاه توانمندسازی برای بانوان یا برای

فلان صنف و یا فلان قشر [برگزار کنیم]. حالا توانمندسازی از نظر سازمان ملل به چه معناست؟ توانمندسازی یعنی تلاش برای گسترش آزادی انتخاب فرد؛ یعنی کسی که آزادی انتخاب او بیشتر است از فقر عبور کرده و کسی که آزادی انتخاب کمتری دارد، فقیر است. (توانمندسازی و کاهش فقر، انتشارات کریمخان زند، ص ۲۵) جالب است که در کتاب توانمندسازی و گسترش فقر می‌گوید که الآن فرهنگ‌های خانواده آزادی انتخاب افراد را محدود کرده است. (همان) با چشم خریدار دقت کنید که چه چیزی می‌گوید؟ می‌گوید که اولاً رفع فقر یعنی گسترش آزادی انتخاب افراد و ثانیاً جزو نهادهای مهمی که منجر به محدودیت آزادی انتخاب افراد می‌شود نهاد خانواده است! یعنی همه افرادی که فرهنگ خانواده را پذیرفته‌اند از نظر سازمان ملل فقیر هستند. سازمان ملل می‌گوید که انسان باید آزاد باشد. طبیعی است که وقتی افراد لیبرالی زندگی کنند، آزادی انتخاب گسترده‌ای در همه حوزه‌ها دارند. طبیعی است که وقتی فرد خانواده را بپذیرد یعنی مسئولیت می‌پذیرد. به‌عنوان مثال تربیت فرزند وظیفه پدر است و باید وقت خود را برای تربیت اختصاص دهد و لذا آزادی انتخاب گسترده‌ای ندارد. همین‌طور می‌توان مصادیق دیگری برای محدود شدن انتخاب انسان‌ها تصویر کرد.

سازمان ملل در کتاب توانمندسازی و کاهش فقر خود می‌گوید که سعی کنید آزادی انتخاب افراد را گسترش دهید و مصادیقی را برای آن بحث می‌کند که از جمله آن اصلاح نهاد خانواده و گسترش برابری جنسیتی است که من از شرح آن به دلیل ضیق وقت می‌گذرم. به‌رحال این دو مورد الآن در کشور در حال اجرایی شدن است. الآن عدد آن خاطر نیست ولی در یک قلم وزارت رفاه ما حدود شصت هزار میلیارد تومان برای اجرای نظریه دوم اختصاص داد، شصت هزار میلیارد تومان در یک سال! ببینید نظام برای محرومیت‌زدایی پول اختصاص می‌دهد اما این اتفاق ذیل یک نظریه معیوب می‌افتد. یا بدون نظریه این کار انجام می‌شود. حالا باید چه کار کرد؟ ما در نظریه تعرف گفته‌ایم که منشأ محرومیت، تضعیف روابط انسانی است و آن را توضیح داده‌ایم و من ادامه توضیحات آن را برای یک جلسه تفصیلی می‌گذارم. پس چگونگی محرومیت‌زدایی را بحث کرده‌ایم و نظریه تعرف نیز دارای بخش‌های پژوهش، پرورش و پردازش است.

۴/۵. نظریه پنجم: مدرسه اقامه

نظریه پنجمی که در این مباحثاتمان مطرح می‌کنیم، نظریه «مدرسه اقامه» است؛ - همان نظریه‌ای که حضرت آیت الله طباطبایی ما را به خاطر آن نوازش کردند - نظریه مدرسه اقامه چه می‌گوید؟ می‌گوید: آیا تبلیغ و اقامه دین یکسان است و یا خیر؟ اگر گفتیم یکسان است، حوزه علمیه فعلی خیلی خوب عمل می‌کند؛ چراکه تبلیغ را گسترش می‌دهد. نمی‌دانم گزارش‌های فعالیت‌های تبلیغی حوزه را مرور می‌کنید یا خیر! انصافاً تحول روی داده و فعالیت‌های خوبی افتاده است. البته ضعف‌هایی نیز وجود دارد ولی حوزه در مسئله تبلیغ در حال جلو رفتن است و البته باید تقویت نیز بشود. اما اگر گفتیم تبلیغ غیر از اقامه و مقدمه اقامه است و یا به هر شکلی دوئیت تبلیغ و اقامه را بپذیرفتید باید بگوییم که مدرسه‌های آینده مدرسه‌هایی هستند که قدرت اقامه را در طلبه‌ها ایجاد می‌کنند. اجازه دهید مثال بزنم تا واضح شود. بعضی از جریاناتی که می‌گویند تبلیغ غیر از اقامه است می‌گویند که تبلیغ غیر از اقامه است ولی تبلیغ با یک قید؛ تبلیغ همراه با تدبیر حکومتی را اقامه می‌گویند. یعنی تبلیغ را قرار می‌دهد و یک قید به نام تدبیر حکومتی را به آن اضافه می‌کند و نتیجه آن بحث اقامه می‌شود.

می‌گویم آقا مثال می‌زنید تا من بفهمم. می‌گوید مثال آن علامه حلی (قرن هفتم هجری قمری) است که ایشان مدرسه سیاره را راه انداخت؛ اولاً مدرسه خود را به نجف و حله و شهرهای مانند آن‌ها نبرد بلکه به سلطانیه رفت و در کنار ألبجایتو ایستاد و

طلبه‌های خود را نیز به آنجا برد. محل مدرسه خود را تغییر داد و هجرت کرده و نزد حاکم رفت. بعد از آن حداقل سه کتاب خود را به نام سلطان الجایتو نوشت. وقتی ایشان کتاب خود را در به نام سلطان الجایتو (سلطان محمد خدابنده، هشتمین پادشاه سلسله ایلخانیان) نوشت؛ یعنی وقتی ایشان کتاب خود را در مدرسه سیاره مباحثه کرد و آن را به سلطان تقدیم کرد سه اتفاق افتاد؛ اتفاق اول اینکه اهالی عصر همه حساس شدند که علامه حلی چه چیزی نوشته است. می‌دانید که در فضای حکومت و سیاست و خصوصاً در زمان قدیم رقابت اصل است؛ هر اتفاقی که می‌افتد همه به صورت دقیق توجه می‌کنند که آن اتفاق چه چیزی بوده است و نکند به ضرر و یا به سود یک جریان خاص باشد و این‌ها خبردار نشده باشند. لذا همه اهالی قصر کتب علامه حلی را می‌خواندند. این نیز یک نوع تدبیر است؛ تبلیغ علامه حلی همراه با تدبیر است ولی الآن ما تبلیغ می‌کنیم اما حتی همسایه‌مان نیز خبردار نمی‌شود. من طلبه‌ام و روایت بلدم ولی حتی نمی‌توانم بچه‌های محله را جمع کنم و این روایات را برای آن‌ها بگویم. می‌گوید آقا جان اگر تبلیغ همراه با تدبیر نباشد جلو نمی‌رود.

این یکی از آثار کار علامه حلی بود. یکی دیگر از آثار آن این بود که با امکانات حکومتی کتاب‌های علامه حلی استنساخ شد. من بررسی کرده‌ام؛ از بعضی از کتاب‌های ایشان از قرن هفت تا الآن حدود هفتاد یا هشتاد نسخه وجود دارد. سِرّ این مطلب چیست؟ این است که آن‌ها را با امکانات حکومتی استنساخ کرده است. اثر سوم آن این بود که وقتی مردم دیدند که حکومت به این مسئله توجه می‌کند و کتاب‌ها نیز در حال چاپ شدن است، آموزش این کتب در کل کشور راه افتاد. حالا آیا تبلیغ را به این صورت نیز می‌توان تصویر کرد؟ یعنی تبلیغی که همراه با یک تدبیری باشد [را می‌توان تصویر کرد؟] یکی از مثال‌هایی کسانی که می‌گویند اقامه غیر از تبلیغ است همین موضوع است. می‌گویند که حتماً باید یک تدبیر حکومتی‌ای کنیم تا تبلیغ جلو برود و الا کسی به مسئله توجه نمی‌کند. در همین اصفهان شریف حاج آقا (اشاره به حضرت آیت الله طباطبائی نماینده ولی فقیه در استان اصفهان) علما در زمان شاه‌عباس تدبیر کرده و دستگاه صفویه را کمک کردند و شیعه رسمی شد که تفصیل این مسئله را می‌توان بحث کرد. پس تبلیغ با این درکی که ما داریم که یک اطلاعیه‌ای بزنیم و یک جمعیتی را دعوت کرده و برای آن‌ها مباحثه کنیم ظاهراً جواب نمی‌دهد.

حالا این یک معنای حداقلی از اقامه است که من بر روی قدر متیقن آن ایستاده‌ام و نظریه مختار خود را نگفتم تا چالش بیشتر نشود. ولی ما فکر می‌کنیم که تبلیغ دین غیر از اقامه است و حداقل معنای آن این است که باید به طلبه‌هایمان تدبیرهای حکومتی را آموزش دهیم که یک مفاهیم و قواعدی دارد که می‌توان بر روی آن بحث و گفتگو کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «الناس بامرائهم ائمه منهم بآبائهم» (تحف العقول، ص ۲۸) مردم تحت تأثیر حکومت‌ها هستند. اگر شما حکومت‌ها را تحت تأثیر قرار ندهید نمی‌توانید مستقیماً مردم را تحت تأثیر قرار دهید. این نیز از سؤال اصلی مدرسه اقامه که می‌گوید تبلیغ یا اقامه، کدام یک [باید مبنا باشد؟] و سعی می‌کند که مفهوم اقامه را تصویر کند. از این نظریه نیز بگذرم.

۴/۶. نظریه ششم: الگوی جدید نگهبانی از نظام

نظریه ششم، نظریه «الگوی جدید نگهبانی از نظام» است. بنده به حضرت آیت الله جنتی در دیداری که با ایشان داشتم (یک شنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۶ در محل شورای نگهبان در تهران) و گزارش دادم، عرض کردم که شورای نگهبان باید مدل نگهبانی از نظام را ارتقاء دهد. آنجا یک استدلال کردم و همان استدلالی را که خدمت ایشان عرض کردم، محضر شما نیز گزارش می‌دهم. آن استدلال این بود که نحوه فعلی نگهبانی از نظام می‌تواند بعضی از هجوم‌هایی را که علیه مردم اتفاق می‌افتد مدیریت کند. مثلاً با این نحوه نگهبانی از نظام شما می‌توانید جلوی تصویب قوانین ضد مردم و ضد شرع را بگیرید. این مسئله مسلم است؛ یعنی دیگر کسی نمی‌تواند بیاید و قانونی تصویب کند که مغازه‌های گسترش الکل و اعتیاد و امثالهم از موارد

خلاف بین شرع، قانونی شوند. این اتفاق در کشور ما نمی‌افتد. یا مثلاً با مدل فعلی نگهداری از نظام، شورای نگهبان سعی می‌کند انسان‌های با صلاحیت را به مردم معرفی کند و تا حدود زیادی نیز موفق است و البته بعضی از وقت‌ها نیز احراز دقیق نمی‌شود و یک آدم عجیب و غریبی به عنوان مثال نماینده مجلس می‌شود. تا اینجا تعریف مدل فعلی نگهداری از نظام است. منتها بعضی از هجوم‌ها به مردم را نمی‌توانیم کنترل کنیم؛ مانند هجوم‌هایی که اسناد بین‌المللی ارائه می‌کنند. ضربه اسناد بین‌المللی به مردم و هویت شیعی‌الآن واضح است ولی چرا در عین حال در کشور ما در حال اجرا شدن هستند؟ یک سؤالی بپرسم؟ الآن هیبتات (برنامه مسکن ملل متحد) پایلوت جهانی خود را قزوین قرار داده است. (باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر: ۵۵۵۱۷۵۱۵) یعنی سازمان ملل به کمک بانک جهانی و بانک شهر و مجموعه‌ای از همکاری‌ها، قزوین را پایلوت اجرای بخش یازدهم سند توسعه پایدار قرار داده است. وزارت بهداشت از سال ۹۲ تا الآن ۲۲۵ هزار میلیارد تومان بودجه مصوب داشته که بالای هشتاد درصد آن نیز محقق شده است. این حجم عجیب از بودجه به چه چیزی اختصاص پیدا کرده است؟ به اجرای بخش سوم سند توسعه پایدار در جمهوری اسلامی؛ یعنی سند توسعه پایدار در حال اجرا شدن است ولی این کار با بودجه بیت‌المال انجام می‌شود. قصد داشتند که بخش چهارم را در آموزش و پرورش اجرایی کنند اما به تدبیر آیت‌الله خامنه‌ای در ایام انتخابات جلوی این اتفاق گرفته شد. و الا بخش چهارم نیز الآن به صورت رسمی اجرا می‌شد. ما فکر می‌کنیم که اگر مدل نگهداری از نظام تکامل پیدا کند این اتفاقات نمی‌افتد.

این خلاصه بحث الگوی نگهداری از نظام است. در نظریه الگوی نگهداری از نظام که -جزوه پیشخوان آن نیز تقدیم شما شده است- ما دوازده سؤال داریم که نه سؤال آن در این جزوه آمده است. مهم‌ترین سؤالی که ما می‌پرسیم و من الآن آن را از شما می‌پرسم این است که شکل اجرای اسناد بین‌المللی در ایران چگونه است؟ ببینید احتمالاً هر کس تا الآن سند توسعه پایدار را نقد کرده است به شما نخبگان گفته که محتوای اسناد بین‌المللی دارای این مثلاً ده اشکال است؛ یعنی نقدها به محوریت این ده اشکال است. ما نقدهای محتوایی به اسناد بین‌المللی را مفید می‌دانیم ولی مهم‌تر از نقدهای محتوایی، نقدی است که بر شکل اجرای اسناد بین‌المللی در ایران داریم. طبق بند ۱۷ سند توسعه پایدار و طبق مفاد پایانی بیانیه اینچئون شکل اجرای اسناد بین‌المللی در ایران شش بخش است؛ یعنی یک شکل شش بُعدی است که در مجموع به تغییر نگرش مخاطب منجر می‌شود. یعنی اسناد بین‌المللی را به شکلی اجرا می‌کنند که ذهنیت مخاطب اسناد تغییر کند. مخاطب اسناد نیز سه دسته مردم، نخبگان و مدیران هستند.

حالا من سؤال می‌کنم؛ وقتی این مقدار ظرافت در شکل اجرای اسناد بین‌المللی وجود دارد، یعنی در جمهوری اسلامی چه کسی تصمیم می‌گیرد؟ ظاهر امر این است که مسئولین ما در حال تصمیم‌گیری هستند ولی باطن این است که ایده‌های سازمان ملل در حال اجراست و این خلاف استقلال است. آیت‌الله خامنه‌ای بحث می‌کنند و می‌گویند نفوذ در کشور رخ داده و در درون کشور تصمیم‌سازی می‌کنند. (دیدار اعضای شورای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۶/۱۰/۹۶) تصمیم‌سازی‌ها به محوریت اسناد بین‌المللی به این شکل شش‌گانه است.

حال ما چه چیزی پیشنهاد داده‌ایم؟ ما الگویی پیشنهاد داده‌ایم که توان به مصاف رفتن با شکل اجرای اسناد بین‌المللی را دارد و می‌تواند جلوی تصمیم‌سازی اسناد بین‌المللی در داخل کشور را بگیرد. این نظریه ششمی است که در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی موجود است و من الآن گزارش آن را می‌دهم. پیشنهاد می‌کنم که در جلسات نخبگانی خود شکل اجرای اسناد

بین‌المللی را بازخوانی کنید. گفتگو کنید که سازمان ملل چگونه این اسناد را اجرایی می‌کند و در این زمان است که واضح می‌شود که در کشور ما چه کسی در حال تصمیم‌گیری است. این نیز یکی از نظریات است.

۴/۷. نظریه هفتم: الگوی تنظیم و تحلیل خبر

نظریه هفتمی که امروز می‌خواهم محضر شما طرح کنم، «الگوی تنظیم و تحلیل خبر» است. الآن یک تعریفی در خبرنویسی داریم که دو قید در آن وجود دارد؛ یکی اینکه ارزش‌های خبری را در شش دسته مباحثه می‌کند. مثلاً یک خبرنگار حرفه‌ای می‌گوید که من چه چیزی را به خبر تبدیل کرده و از رسانه خود منعکس کنم؟ پاسخ این است که خبری را که شش دسته ارزش داشته باشد پخش کن. مثل چه چیزی؟ مانند ارزش دربرگیری؛ یعنی هر پدیده‌ای که عام‌تر بوده و ارتباط آن با مردم بیشتر باشد، ارزش بیشتری دارد. به‌عنوان مثال یارانه‌ها هرماه تبدیل به خبر می‌شود با اینکه همه آن را می‌دانند؛ همه می‌دانند که دولت در سر ماه ۴۵ هزار تومان یارانه می‌دهد ولی هرماه خبر آن را می‌دهند. چرا این کار را می‌کنند؟ چون این خبر به همه مرتبط است. به عبارتی خبر واریز یارانه‌ها خبری دارای ارزش خبری دربرگیری است و دربرگیری بیشتری دارد.

یا مثلاً گوینده خبر فرد مشهوری است؛ مثلاً یک سلبریتی می‌آید و راجع به سگ خود صحبت می‌کند. گفتگو راجع به سگ چیز مهمی نیست و از حیث محتوا ارزشی ندارد ولی چون گوینده مشهور است، بعضی از حیث شهرت گوینده به خبر ارزش می‌دهند. در حال گفتن ارزش‌های خبری هستم و سعی می‌کنم که ذهن خبرنگاران در رسانه‌ها را توضیح دهم که چه چیزی را در بخش خبری خود پخش می‌کنند. بر اساس ارزش‌های خبری این کار را انجام می‌دهند. بنده دو ارزش از این ارزش‌ها را توضیح دادم. مسئله دوم نیز این است که خبر را به یک اتفاق عینی یا یک پدیده تعریف می‌کنند و خبر بیان یک پدیده است. این دو قید را برای اخبار دارند.

حال ما در بحث الگوی تنظیم و تحلیل خبر چه گفته‌ایم که اولاً تعریف خبر باید تغییر پیدا کند؛ یعنی همیشه خبر یک پدیده نیست و گاهی وقت‌ها یک مفهوم است. مثلاً گاهی وقت‌ها شما می‌توانید راجع به یک اصطلاح، خبر تنظیم کنید. خبرهایی که رسانه‌ها راجع به الگوی پیشرفت اسلامی منتشر می‌کنند را نگاه کنید؛ می‌بینید که هیچ اتفاقی نیفتاده است بلکه فقط یک اصطلاح معرفی شده و یا یک سؤال مطرح می‌شود. پس در تعریف خبر یک مقدار تعمیم ایجاد کرده‌ایم. -البته استظهارات این مطلب طلبتان باشد که بعداً آن را بیان می‌کنم. ما راجع به دعوت و نبأ آیات و روایات زیادی داریم که وقتی آن‌ها را می‌خوانیم، تعریف خبر توسعه پیدا می‌کند. - ارزش‌های خبری را نیز دست‌کاری کرده‌اند. ما یک ارزش خبری مادر داریم - که البته یک ساختاری هم پیدا می‌کند - و آن ارزش خبری مادر این است که تنها چیزی ارزش بازنشر دارد که منجر به تحریک فکر و توسعه تأمل مخاطب شود. از نظر الگوی تنظیم و تحلیل خبر، خبر ابزار تحریک فکر است و نه چارچوب انتقال اطلاعات. این نیز یک مسئله‌ای است. لذا می‌توان به وسیله آن، بخش‌های خبری را به نحو دیگری تنظیم کرد. مثلاً الآن خبر ورزشی و سیاسی و اقتصادی داریم؛ تقسیمات خبر را همه می‌دانید.

حالا آیا اگر مبنا تحریک فکر باشد هم تقسیمات خبر همین است؟ ما نه دسته خبر داریم. بخش‌های خبری ما بر روی موضوعاتی است که جامعه را بیشتر تحریک فکر می‌کند. البته بخشی از این موضوعات ممکن است با موضوعات فعلی باشد ولی بخشی از آن‌ها حتماً متفاوت است.

۴/۸. نظریه هشتم: علم آینده

بنده آن دو نظریه آخر را به صورت اجمالی توضیح می‌دهم. نظریه هشتم، نظریه «علم آینده» است. علم، باعث رشد یک ملت و جامعه می‌شود ولی ما یک سؤال اینجا داریم که آیا مرادتان از علم نگاه بیکنی به علم است یا خیر و تعریف جدیدی از علم نیز دارید؟ این سؤال اصلی نظریه علم آینده است. ما فکر می‌کنیم تعریف علم «العلم سلطان» (شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹) است و نه Knowledge is Power. (نوارغنون، ص ۳۴) از علم می‌توان دو تعریف ارائه داد: بیکن و تابعین او می‌گویند هر معادله‌ای که به تصرف در طبیعت کمک کند علم است ولی ما در روایات می‌گوییم هر معادله‌ای که به تنظیم روابط انسانی و سلطان کمک کند تا سلطان و تسلط میل به ظلم، ضرر و باطل پیدا نکند علم است. چون همه انسان‌ها بر انسان‌های دیگری تسلط دارند و اگر «العلم سلطان» را بدانند تسلط آن‌ها سه وصف را پیدا نمی‌کند؛ وصف ظلم، ضرر و باطل. چراکه تسلط می‌تواند تسلط باطل باشد، تسلط می‌تواند تسلط سلطان جائز باشد و تسلط می‌تواند به شکلی باشد که به ضرر مردم بزند. در این سمت نیز تسلطی به نفع مردم و مبتنی بر حق و عدل داریم. سه وصف نیز در این طرف وجود دارد؛ اینکه چطور تسلط‌ها را به اوصاف مثبت آن مدیریت کنیم که در «العلم سلطان» آن را بحث کرده‌ایم که ان‌شاء الله این مطلب را در آینده بیان می‌کنم.

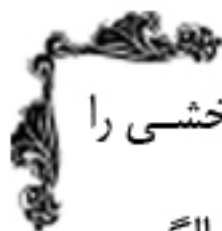
لذا وقتی مقام معظم رهبری می‌فرمانید ما به علم احتیاج داریم، اما عده‌ای فکر نکنند که ایشان انحصاراً به این سمت هدایت می‌کنند که Knowledge is Power آموزش داده شود. کلمات ایشان را در طرف مقابل نیز ببینید که فرمودند: «علوم انسانی ذاتاً مسموم است و نیاز به تحول در آن‌ها داریم.»

۴/۹. نهمین و آخرین نظریه: الگوی تولید خانوادگی

آخرین بحثی که محضران مطرح می‌کنم این است که اقتصاد و تولید یک کشور را چطور راه بیندازیم و این یعنی نظریه «الگوی تولید خانوادگی». سؤال اصلی ما در تولید تنظیم رابطه کارگر، کارفرما و مصرف‌کننده است درحالی‌که سؤال اصلی در تولید به نحو مدرن این است که چه چیزی تولید کنیم. حتماً مشاهده کرده‌اید که کارشناسان توسعه‌گرا دائماً می‌گویند که مزیت نسبی مشهد در اقتصاد آن است. گفتگوهای تولید را از آمایش سرزمینی و تبیین مزیت‌های نسبی شروع می‌کنند. اما گفتگوهای تولید در فقه المکاسب از نحوه تنظیم روابط کارگر، کارفرما و مصرف‌کننده شروع می‌شود. پس اینکه چطور در تولید ظلمی بر کارگر، کارفرما و مصرف‌کننده اتفاق نیفتد را در الگوی تولید خانوادگی بحث می‌کنیم.

این‌ها عناوین نه نظریه‌ای بود که وعده داده بودم آن‌ها را محضر شما توضیح دهم. یک نکته پایانی هم عرض کرده و از محضر شما استفاده کنم. همان طوری که از ظاهر بیان این موارد برمی‌آید، آنچه بیان شد تنها در حد طرح مسئله بود، تأکید می‌کنم که این نظریات دارای بخش پژوهش، پرورش و پردازش است و اگر نخبگان کشور - که دلسوزان کشور هستند - آیین‌نامه نشست‌های گفتگویی الگوی پیشرفت را رعایت کنند، ما می‌توانیم حول این نظریات نشست‌های تفصیلی را در سراسر کشور آغاز کنیم و آغاز رستاخیز تحول در نظام برنامه‌ریزی کشور خواهد بود. امروز این موارد را مطرح کردم که فقط سازمان برنامه‌بودجه نگوید که ما به علت اینکه نظریه‌ای نداشتیم کشور را بر اساس نظریات غربی اداره کردیم و اگر شرایط آماده بود، می‌توانستیم نودویک بخش الگوی پیشرفت را نیز به صورت اجمالی شرح دهیم و می‌توانستیم گفتگوها را تسریع کنیم. پیشنهاد می‌کنم که این گفتگوها در جمهوری اسلامی جدی‌تر گرفته شود تا ان‌شاء الله منجر به تحقق تمدن اسلامی و زمینه‌سازی ظهور ولی عصر ارواحنا فداه شود.

والحمد لله رب العالمین



قسمت اول بحث این است که معنای نظریات بخشی را بحث کنم؛ این ۱۰۰ نظریه‌ای که ما در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی بحث کرده‌ایم به دنبال چه هستند و می‌خواهند چه کار بکنند؟ در یک جمله باید بگویم ما در نظریات بخشی به دنبال فرجه کردن سود ارتباطی هستیم.

ما در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی اصطلاحی را وضع کرده‌ایم مبنی بر اینکه می‌گوییم زیرساخت اداره جامعه سود ارتباطی است؛ یعنی ما مردم و سازمان‌های حکومتی را دعوت می‌کنیم که سود ارتباطی را تقویت کنند و سود ارتباطی سودی است که انسان‌ها از منشأ ارتباط بهینه با یکدیگر می‌برند.



✽ارتباط با ما:

کانال در پیام رسان ایتا: @olgou / پایگاه اطلاع‌رسانی: www.nro-di.blog.ir